

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۹

هزار و سیصد و نود و هشت - پاییز

- ۷ ● رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی
دکتر احمدرضا توحیدی - آزاده داداشی
- ۴۱ ● مذاکره مجدد؛ انعکاس نیاز به استمرار تعادل مالی - اقتصادی در قراردادهای سرمایه‌گذاری صنعت نفت و گاز
دکتر محمد نامدار زنگنه - دکتر سید حسین طباطبایی
- ۶۷ ● مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی ناشی از انتقال بیماری‌های مسری با تأکید بر حقوق انگلیس
دکتر علیرضا رجب‌زاده - بهاره شفیعی
- ۸۷ ● بررسی تطبیقی مالکیت کشتی رهاشده و قواعد حاکم بر آن
سید عباس متولی - دکتر محمود قیوم‌زاده - دکتر سید مرتضی نعیمی
- ۱۱۷ ● موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیرکیفری به‌جای پاسخ‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
دکتر رامین علیزاده - دکتر محمدعلی جاهد
- ۱۴۱ ● شیوه‌های پیشگیری و جبران خسارت در نقض حقوق مالکیت فکری
سکینه دهقان
- ۱۶۹ ● بررسی تطبیقی نحوه مشارکت خارجیان در شرکت‌های تجاری مناطق آزاد
الهام مقراضی‌اصل
- ۱۹۷ ● ماهیت جرم محال در حقوق ایران با نگاهی به حقوق انگلیس
دکتر ابوالحسن شاکری - دکتر محمود درویش‌ترابی
- ۲۱۷ ● مکانیسم‌های حل‌وفصل اختلافات در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا؛ مدلی برای اکو
محمدرضا نریمانی زمان‌آبادی
- ۲۴۳ ● کوی‌بان به‌عنوان دادستان در نظام حقوقی زرتشتی
عزیز نوکنده
- ۲۷۱ ● پیشگیری از بزه‌دیدگی کارمندان دادگستری در ایران: مورد پژوهشی شهر بروجرد
دکتر جواد ریاحی - دکتر اسماعیل شریفی - آذین روحانی
- ۳۰۳ ● «اصطلاحات تجاری بین‌المللی» معادلی نادرست برای INCOTERMS
سید عزیز معصومی
- ۳۱۵ ● شناسایی و پیشگیری از فرصت‌های وقوع جرم سازمان‌یافته در بازار بین‌المللی عتیقه‌جات
نگارنده: دکتر سیمون مکزی - ترجمه: بهاره قانون





رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی

دکتر احمدرضا توحیدی* - آزاده داداشی**

چکیده:

در برخی مناقشات مسلحانه ملی و یا بین‌المللی اعمال شنیع و خشنی علیه غیرنظامیان خصوصاً زنان و کودکان از جمله قتل‌عام، تجاوز به عنف مکرر درمقابل اعضای خانواده، بریدن اعضای بدن، برداشتن اعضای انسانی و همچنین ازدواج اجباری (این جرم ممکن است شامل تجاوز، بردگی جنسی، حاملگی اجباری و کار اجباری باشد) گزارش شده است اما تدوین قواعد حقوق بین‌الملل خصوصاً حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر، جرایم جنسی و یا مبتنی بر جنسیت به‌عنوان جرایم بین‌المللی تعریف و احصاء گردید تا بتوان مرتکبان و مسببان را مورد تعقیب و محاکمه قرار داد؛ لذا در این مقاله با رویکردی توصیفی و تحلیلی به مطالعه عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی نسبت به ازدواج اجباری می‌باشیم و اینکه سیر تحول دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به این پدیده به‌عنوان جرمی مستقل تحت مصادیق جنایت علیه بشریت و عناصر سازنده چگونه بوده است؟ بر این اساس متعاقب تحدید و بیان عناصر متشکله جرم، به مطالعه نوع ورود دادگاه‌های بین‌المللی ایجادشده بعد از جنگ جهانی دوم پرداخته خواهد شد زیرا بر این ایده معتقدیم که ازدواج اجباری توهین به جایگاه مذهبی و اجتماعی نهاد ازدواج و خانواده بوده و موجب صدمات روحی - روانی شدید به زنان و مخلّ توسعه حقوق اساسی و فرایند توسعه‌ای آنها در جامعه می‌باشد که باید در صحنه عدالت قضایی و کیفری بیشتر به آن پرداخته شود.

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی) شماره ۳۹، پائیز ۱۳۹۸
صفحه ۷-۴، تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۵/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۰۱

* استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، نویسنده مسئول
Email: ar.tohidi@qom.ac.ir
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران
Email: dadashi.il68@yahoo.com

کلیدواژه‌ها:

ازدواج اجباری، خشونت جنسی، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، جرایم بین‌المللی.

مقدمه

در گذشته محاکمه متهمان و مرتکبان جرایم جنسی خصوصاً در درگیری‌ها و مناقشات مسلحانه نزد و یا توسط محاکم ملی و بین‌المللی در قالب جرایم بین‌المللی، مشکل به‌نظر می‌رسید؛ اما با بررسی روند دادگاه‌های کیفری، مشاهده می‌کنیم که طیف خاصی از جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت در قالب جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته‌اند. به طوری که با جرم‌انگاری جرایم وسیعی با ماهیت جنسی به‌خصوص در دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، شتاب بیشتری به تحوّل حقوق بین‌الملل کیفری بخشیده شد و قضایای مطرح در این دادگاه‌ها، تأثیر قابل‌توجهی بر تدوین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جای گذاشت، تاجایی که برخی از این جرایم در اساسنامه دیوان در زمره جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری شد.^۱ با توجه به کثرت دسته‌بندی جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت، ممکن است این سؤال مطرح شود که چه لزومی به تعقیب ازدواج اجباری به‌عنوان جرمی جداگانه وجود دارد؟ زیرا این مسئله باید با دقت مورد ملاحظه قرار گیرد که این جرم‌انگاری به‌گونه‌ای باشد که منجر به معرفی جرمی جدید و مجازات مجرمان آن گردد که بر اساس دسته‌بندی موجود قابل تعقیب نباشد؛ اما حقیقت آن است که امروزه عوامل متعددی وجود دارد که نیاز به معرفی جرم ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت را ضروری می‌نمایند. در واقع، در میان اعمال وحشیانه ارتكابی علیه زنان در طی جنگ‌ها، هزاران زن اسیر مجبور به ازدواج با دستگیرکنندگان خود و زندگی با آنها برای مدت زمان طولانی شدند.^۲ این زنان با اعمال فشار و تهدید مجبور به ایفای تمام وظایفی بودند که غالباً برای زنان شوهردار تعریف شده است. درصد قابل‌توجهی از این زنان در شرایطی مجبور به ازدواج گردیدند که مدرکی دال بر

1. See: Judgment Brima, Kamara, Kanu (SCSL-04-016-T), Trial Chamber II, 20 June 2007, Para 703 (Hereinafter AFRC Trial Chamber), see: Dissenting Opinion of Justice Doherty on Count 7 (Sexual Slavery) and Count 8 (Forced Marriage) appended to the Judgment.

2. "Human Rights Watch Report 2001: Sexual Violence Within the Sierra Leone Conflict," Human Rights Watch, February 26, 2001, <http://www.hrw.org/backgrounder/africa/sl-bck0226.htm>.

اجباری بودن زوجیتشان در دست نداشتند. لذا با وجود اتمام این مخاصمات، اکثر این زنان همچنان در زوجیت اجباری همسران خود باقی ماندند.^۳

از این روی پدیده ازدواج اجباری توسط تعداد زیادی از متخصصان به‌عنوان جرمی چندلایه تعریف شده است. این جرم ممکن است شامل تجاوز، بردگی جنسی، حاملگی اجباری و کار اجباری گردد که هر یک از این جرایم به‌تنهایی جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، ازدواج اجباری در ابعادی که در بسیاری از مخاصمات به‌خصوص مخاصمات داخلی به‌وقوع پیوسته است، جرمی فراتر از مجموعه‌ای از همه این جرایم است.

درواقع بررسی دقیق عناصر ازدواج اجباری حاکی از آن است که این جرم به‌طور ضمنی شامل انتظارات مختلفی از وظایف جنسی و غیرجنسی است (این عامل مشخصه بارز این جرم و وجه تمایز آن از بردگی جنسی به‌شمار می‌رود) به‌علاوه، ذکر این نکته لازم است که ازدواج اجباری به‌نوعی، توهین به نهادهای مذهبی و اجتماعی موجود در یک جامعه تلقی می‌شود. به‌طوری‌که مرتکب این جرم، مکرر به‌عنوان ناقض حقوق بشر مورد سرزنش قرار گرفته و ارتکاب آن توسط اسناد حقوق بشری متعدد نیز منع گردیده است. با در نظر گرفتن تمام این دلایل، به‌نظر می‌رسد ازدواج اجباری شامل عناصر خاص صدمات روحی - روانی است که مسئله‌ای متفاوت از استثمار و سوءاستفاده جنسی محسوب می‌گردد. از این روی، ضروری است تا این جرم به‌عنوان جرمی جداگانه تعریف شود که مبین تمامیت و پیچیدگی رفتار مجرمان این عمل گردد.^۴ بر این اساس نویسنده سعی خواهد نمود با تبیین دادگاه‌های نسل اول حقوق بین‌الملل کیفری (دادگاه نورنبرگ و توکیو، ۱۹۴۵) و دادگاه رواندا و یوگسلاوی (به‌عنوان دادگاه‌های نسل دوم ۱۹۹۴)، دادگاه سیرالئون (نمونه دادگاه نسل سوم یا دادگاه‌های مختلط) و نهایتاً دیوان بین‌المللی کیفری (به‌عنوان دادگاه نسل چهارم که دائمی می‌باشد) با رویکرد مطالعات موردی و خاص، درخصوص بررسی رویکرد این دادگاه‌ها با جرم ازدواج‌های اجباری اقدام نماییم و متعاقباً فرایند تحول و برخوردی این دیوان‌ها در گذر زمان از ۱۹۴۵ تا امروز چگونه بوده است؟ و آیا جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت صورت گرفته است.

3. Fourth Report of the Secretary-General on the United Nations Mission in Sierra Leone, U.N. Doc S/2000/455 (19 May 2000), Paras. 11-12.

۴. فاطمه امیری، «توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت در دادگاه ویژه سیرالئون»، مجله حقوقی بین‌المللی ۴۳ (۱۳۸۹)، ۲۶۷.

۱- تحدید مفهوم و عناصر ازدواج اجباری در اسناد حقوق بشری

حق بر ازدواج با رضایت کامل و آزادانه از جمله حقوقی است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره به رضایت کامل و آزادانه طرفین در ازدواج می‌نماید و بند ۳ ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز بر ضرورت وجود رضایت آزاد تأکید دارد، بدیهی است هر یک از اسناد بین‌المللی از منظر خاصی به این حق پرداخته و با رویکرد ویژه‌ای بدان نگریده‌اند؛ اما متعاقب این اسناد کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت آن است که به موجب قطعنامه ۱۷۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ به تصویب رسید. این کنوانسیون پس از یادآوری ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر در ماده ۱ خود چنین آورده است: «هر ازدواجی که بدون رضایت کامل و آزادانه هر یک از طرفین صورت گیرد، معتبر نبوده و باید غیرقانونی محسوب شود. این رضایت باید به شکلی کاملاً علنی و آشکار و در حضور مقام صلاحیتداری که قانون تعیین کرده است، اعلام شود و از جانب این مقام مورد تصدیق و گواهی قرار گیرد.»

مفاهیم فوق سه سال بعد عیناً در توصیه‌نامه‌ای که با همین عنوان از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و مجدداً به کشورهای عضو توصیه گردید تا از به رسمیت شناختن ازدواج‌هایی که بدون رضایت کامل و آزادانه هر دو طرف صورت گرفته خودداری ورزند.^۵

کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون دیگری است که با نگاه ویژه‌ای به مسئله ازدواج پرداخته است. این کنوانسیون در بند ۱ ماده ۱۶ از حق یکسان زنان و مردان در انتخاب آزادانه همسر سخن گفته و رضایت کامل و آزادانه هر یک از طرفین را شرط تحقق ازدواج دانسته است.^۶ در حقیقت، جامع‌ترین قاعده پیرامون ممنوعیت ازدواج اجباری را باید ماده ۱۶ کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان دانست.^۷

آخرین سند جهانی قابل استناد در خصوص این موضوع، اعلامیه و برنامه عمل پکن است که در چهارمین کنفرانس جهانی زن که از سوی سازمان ملل در سپتامبر ۱۹۹۵ برگزار شده

5. Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage & Registration of Marriage, Resolution 2018 (XX), 1 Nov. 1965.

6. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, Res34/18Des1978, Art. 16.

7. CEDAW Committee General Recommendation, 1981, No.19, 11.

بود، به تصویب رسید. این اعلامیه در قسمت «ه» بند ۲۷۴ خود از دولت‌ها خواسته است تا نسبت به وضع و اجرای قوانینی در راستای شناسایی ازدواج، تنها با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد و تعیین حداقل سن قانونی مناسب برای منظور، اقدام کنند. اصل رضایت در ازدواج در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر می‌رسد که در این میان، نظام اروپایی حقوق بشر، مقام بیشترین پیشرفت را به خود اختصاص داده است، چراکه علاوه بر موفقیت چشمگیر دیوان حقوق بشر در این منطقه، از حیث ماهوی نیز شاهد تصویب اسنادی هستیم که به مراتب نسبت به هم‌تایان بین‌المللی خود از دقت و ظرافت بیشتری برخوردارند.

توجه به این نکته ضروری است که قطعنامه ۱۴۶۸ مجمع عمومی پارلمانی شورای اروپایی مصوب سال ۲۰۰۵، تنها سند حقوق بشری است که به تعریف مقوله ازدواج اجباری همت گمارده و ازدواج اجباری را شامل کلیه ازدواج‌هایی دانسته که حداقل یکی از طرفین آنها فاقد رضایت کامل و آزادانه نسبت به ازدواج هستند.^۸

کنوانسیون دیگری که در سطح منطقه‌ای به این موضوع پرداخته است، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر است که در بند ۳ ماده ۱۷ خود صریحاً اعلام می‌کند: «هیچ ازدواجی بدون رضایت طرفین آن منعقد نخواهد شد.»^۹

در حقیقت، ویژگی مشترک تمام اسناد مذکور، ضرورت وجود عنصر رضایت به‌عنوان شالوده و زیربنای ازدواج معتبر است. به‌عبارت‌دیگر، ویژگی اصلی ازدواج‌های اجباری، تحمیل وضعیت زناشویی بر یک طرف یا طرفین برخلاف رضایت قلبی آنان است و این رابطه در شرایطی شکل می‌گیرد که رضایت بر اثر تهدید و اجبار معیوب گردیده باشد.

هرگاه طرفین، رضایت به رابطه نکاحی ندارند، اما این رضایت توسط خانواده‌ها بیان می‌شود و ازدواج برطبق عرف و تشریفات مذهبی موجود به‌رسمیت شناخته می‌شود، این قبیل ازدواج‌ها توسط کشورهای نظیر استرالیا، کانادا، آلمان، نروژ و انگلیس، ازدواج اجباری تلقی می‌شوند؛ به این معنا که ازدواج‌های معتبر، تصمیم نهایی بستگی به رضایت طرفین دارد.^{۱۰}

8. Resolution 1468, Forced Marriage, Child Marriage, Parliamentary Assembly of European Council, 2005, para.13.

9. American Convention on Human Rights, 1969, Art. 17.para 3.

10. UNdoc. A/HRC/4/23, Report of the Special Rapporture on the Human Rights Aspects of the Victims of Trafficking in Persons, especially Women and Children, Sigma Huda, 24 Jan 2007, para 20.

علی‌رغم این تفکیک، برخی از ازدواج‌های قانونی به‌گونه‌ای واقع می‌شوند که مشابه وضعیت‌های ناشی از ازدواج اجباری هستند؛ چراکه در ازدواج‌های قانونی نیز اراده طرفین ممکن است کاملاً تابع خواست خانواده‌های آنان در ترتیب دادن یک رابطه نکاحی قرار گیرد. فشار روانی شدید و تهدید به طرد از خانواده گاه می‌تواند موجب تحریک طرفین به تن دادن به ازدواج گردد.^{۱۱} این‌گونه ازدواج‌ها مطمئناً برخلاف اسناد بین‌المللی حقوق بشر هستند امروزه فقدان رضایت کامل و آزادانه از سوی طرفین در ایجاد رابطه ازدواج، در قوانین بسیاری از کشورها از قبیل افغانستان، اتریش، غنا، نروژ و صربستان تحت عنوان ازدواج اجباری جرم‌انگاری شده و در سایر کشورها از قبیل الجزایر، بلاروس، کلمبیا، فنلاند، فلسطین اشغالی، ایتالیا و مالدیو که فاقد مقرره خاصی پیرامون جرم‌انگاری ازدواج اجباری هستند، این عمل تحت عناوین مختلفی از قبیل قاچاق انسان، استثمار جنسی، ربودن، فحشا و تجاوز مورد رسیدگی کیفری قرار می‌گیرد.^{۱۲}

با این حال، علی‌رغم تأکید فراوان اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به ضرورت حمایت از افراد در مقابل ازدواج‌های اجباری، هنوز در عمل شاهدیم که در بسیاری از مناطق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و به‌طور کلی در اغلب کشورهای در حال توسعه، عوامل گوناگونی نظیر فقر و بحران‌های اقتصادی، جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی و خارجی، مانع از تحقق و رضایت کامل و آزادانه افراد نسبت به موضوع ازدواج می‌گردد. از این رو در پی جرم‌انگاری ازدواج اجباری در قوانین ملی بسیاری از کشورها، جامعه بین‌المللی نیز با جرم‌انگاری این عمل در قالب جرمی بین‌المللی، در صورت ارتکاب آن با تحقق ضوابط عمومی جنایت علیه بشریت، پا را از اسناد حقوق بشری فراتر گذاشت که در این راستا، رأی شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه برای سیرالئون (۲۰۰۸) را می‌توان نقطه عطفی در برخورد با این پدیده دانست.

۲- مجازات دهی جرایم در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو (بعد از جنگ جهانی

دوم، ۱۹۴۵)

در هنگام جنگ جهانی دوم، متفقین قصد خود را مبنی بر تعقیب جنایتکاران جنگی در اعلامیه‌های مختلف ابراز نمودند.^{۱۳} دادگاه نورنبرگ بعد از جنگ جهانی دوم و پس از اشغال

11. Ibid, para. 26.

12. Ibid, para. 25.

۱۳. رضا فیوضی، «دادگاه نظامی نورنبرگ بعد از چهار سال»، مجله حقوقی بین‌المللی ۹ (۱۳۶۷)، ۱۳۹.

آلمان به‌وسیله متفقین، توسط چهار دولت فاتح بریتانیای کبیر، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، به نمایندگی از همه کشورها تشکیل شد و متعاقباً شانزده کشور دیگر حمایت خود را از آن اعلام داشتند.^{۱۴} بر مبنای این دادگاه متهمان به ارتکاب جنایت‌های جنگی و ضد انسانی در زمینه دادرسی و مجازات تابع دو رژیم خاص شدند:

۱- متهمانی که اعمال مجرمانه و مخالف حقوق آنها در محدوده جغرافیایی یا کشور متفقین صورت گرفته به کشور محل ارتکاب جرم خود منتقل و به‌وسیله دولت‌های آزادی که در این کشورها بعد از جنگ تشکیل شده بود محاکمه شده و کیفر خواهند دید. «از اعلامیه مسکو»؛

۲- متهمان بزرگ یا اصلی که اعمال مخالف حقوق آنها محدوده جغرافیایی خاص ندارد در یک دادگاه نظامی بین‌المللی محاکمه خواهند شد.^{۱۵}

البته در محاکمات این دادگاه در مجموع هیچ‌کس مورد محکومیت و سه مورد براءت اعلام شد^{۱۶} و اجساد اعدام‌شدگان را به اردوگاه کار اجباری نازی در داخائو فرستادند و در همان دوره‌های اردوگاه داخائو، سوزاندند^{۱۷} و خاکستر آنها را در رودخانه ایسار^{۱۸} ریختند که به امواج دریا سپرده شود به این ترتیب فصل آخر جنگ دوم جهانی به پایان رسید.^{۱۹} اما در سابقه محاکمات و عناوین مجرمانه موضوع خشونت‌های جنسی و یا ازدواج اجباری دیده نمی‌شود.

دادگاه دیگری که بعد از جنگ جهانی دوم برای تعقیب و محاکمه جنایتکاران خاور دور تشکیل شده است، دادگاه توکیو می‌باشد که توسط فرمانده نظامی ایالت متحده ژنرال آرتور در ژاپن برپا شد. از جمله اتهاماتی که به نیروهای ژاپنی وارد شده است آن است که ژاپن از حدود ۲۰۰ هزار زن که اکثریت آنها را زنانی چینی و کره‌ای تشکیل می‌دهند در جنگ جهانی دوم به‌عنوان برده جنسی استفاده کرده است، این محکمه ناشی از منشور توکیو بود و ماند

۱۴. کریانگ ساک کیتی شیپرز، «حقوق بین‌الملل کیفری»، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی انتشارات سمت، (۱۳۸۳)، چاپ اول، ۴۳ و ۴۴ - دبیر کابینه ژاپن در سال ۱۹۹۳ به‌خاطر نقشی که ارتش این کشور در به راه انداختن فاحشه‌خانه‌هایی برای سربازان ژاپنی داشته معذرت‌خواهی کرده است. *روزنامه اعتماد*، شماره ۱۳۵۱ به تاریخ ۱۳/۲/۱۳۸۵، صفحه ۱۲ (بین‌الملل).

۱۵. رضا فیوضی، *حقوق بین‌الملل کیفری* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، چاپ اول، ۱۳۳-۱۲۹.

۱۶. جان دانپورت، *محاکمات نورنبرگ*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۷)، چاپ اول، ۸۶-

محکمه نورنبرگ فقط راجع به مجرمان اصلی جنگ بود. درمورد دادگاه توکیو و نورنبرگ انتقاد صورت گرفته است که این دادگاه‌ها، دادگاه‌های غالب علیه مغلوب بوده است.^{۲۰} البته در مقایسه بین دادرسی و احکام نورنبرگ و توکیو معمولاً رویه دادگاه نورنبرگ را بسیار عادلانه‌تر از محکمه توکیو دانسته‌اند. دادگاه نورنبرگ به جنایات جنایتکاران آلمان نازی رسیدگی می‌کرد و دادگاه توکیو به جنایات ارتكابی در شرق دور توسط جنایتکاران ژاپنی. این دو دادگاه بر اساس قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در آن زمان رسیدگی می‌کردند. ذکر این نکته لازم است که در اساسنامه هیچ‌یک از این دو دادگاه به جنایات ارتكابی علیه زنان به صورت اعم و جرم ازدواج اجباری به طور اخص پرداخته نشده بود. گرچه در دادگاه نورنبرگ دلایلی مبنی بر تجاوز به عنف در روند احراز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت ارائه شد، اما در احکام صادره از دادگاه نورنبرگ هیچ اشاره‌ای به تجاوز به عنف نشده است.^{۲۱} به صورت کلی و با نظر به اساسنامه این دو دادگاه می‌توان ذکر کرد که به صورت صریح و مشخص از جنایات علیه زنان به طور کلی نامی برده نشده است اما بسیاری از اقدامات علیه تمامیت جسمانی یا روانی علیه افراد انسانی - از جمله زنان - جنایت تلقی شده است. این درحالی است که در طی دو جنگ جهانی زنان بسیاری، مورد خشونت جنسی و جسمی قرار گرفته بودند و انتظار می‌رفت که این محاکم در اساسنامه و رویه خود جنایات ارتكابی علیه زنان را لحاظ نماید و مرتکبین آنها را مجازات می‌نمود.^{۲۲}

۳- رویکرد مجازات‌دهی در دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی ۱۹۹۳

فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در اروپای شرقی علت اصلی واگرایی در بالکان به ویژه در کشور یوگسلاوی بود لذا تقاضا برای آزادی شهروندان و قومیت‌ها در شش جمهوری سابق یوگسلاوی، باعث مخالفت و مقابله با طرح صربستان بزرگ، تحت پوشش یوگسلاوی گردید و بحران یوگسلاوی شروع شد. درعین حال تقاضای کشور بوسنی و هرزگوین برای شناسایی بین‌المللی، توسط جامعه مشترک اروپا و آمریکا مشروط به همه‌پرسی شد. ابتدا صرب‌ها این

۲۰. حسین میرمحمد صادقی، حقوق جزای بین‌الملل (تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۸۶)، چاپ دوم، ۳۹.

21. Richard J. Gohdstone & Estelle A. Dehon, "Gender Crimes under International Criminal Law," *New England Journal of Public Policy* 19 (2007): 123.

۲۲. سحر رستمی، «حقوق و وضعیت زنان در مخاصمات مسلحانه با نگاهی بر رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰)، ۴۵-۴۷.

همه‌پرسی را تحریم کرده و سپس با برگزاری فراندوم ویژه خود طرح استقلال بوسنی و هرزگوین را رد کردند و تشکیل جمهوری صرب‌های بوسنی هرزگوین را اعلام نمودند. از آن طرف دولت بوسنی و هرزگوین همه‌پرسی را بر اساس اصول بین‌المللی و با نظارت ناظران جهانی برگزار نمود. در این همه‌پرسی بیش از یک و نیم میلیون نفر که ۶۴ درصد از شهروندان را تشکیل می‌دادند به جمهوری مستقل و غیرقابل تقسیم بوسنی و هرزگوین رأی دادند. یک روز پس از به رسمیت شناخته شدن بوسنی و هرزگوین به عنوان کشوری مستقل، یعنی در ۷ آوریل ۱۹۹۲، این کشور توسط صربستان مورد تجاوز قرار گرفت^{۲۳} و قتل‌عام‌های بی‌رحمانه و فجیع زنان، مردان و کودکان مسلمان توسط صرب‌ها تحقق پیدا کرد همچنین پاکسازی نژادی می‌باشد که صرب‌ها جهت تثبیت مواضع خود و برهم زدن ترکیب نسبی جمعیت مسلمانان ساکن در این جمهوری و تضعیف حاکمیت قانونی دولت بوسنی بدان متوسل شده‌اند^{۲۴} که این جنایات توسط شورای امنیت را به عنوان ایجادکننده وضعیت تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخت^{۲۵} و بعد از پاره‌ای وقایع دادگاه بین‌المللی تعقیب مسئولان نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خاک یوگسلاوی سابق از ابتدای ۱۹۹۱ تحت عنوان دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق (ICTY) و به عنوان رکن فرعی شورای امنیت تشکیل شده^{۲۶} اساسنامه این دادگاه، پس از تصویب قطعنامه ۸۲۷ شورای

۲۳. وزرای خارجه کشورهای عضو جامعه اروپا در اجلاس مورخه ۶ آوریل ۱۹۹۲ در لوکزامبورگ، استقلال جمهوری بوسنی و هرزگوین را به رسمیت شناختند.

۲۴. نمونه‌های زیادی از جنایات صرب‌ها تشریح شده است. نظیر اظهارات خانم «حازیرا کاتوویچ بیدیک»: این زن که همراه با ۸۰۰ مسلمان توسط گروه‌های صرب در چاهی انداخته شده بود، به‌طور معجزه‌آسایی نجات یافت. این زن مسلمان می‌گوید: در آن چاه زنانی زنده‌زنده و به‌مرور کشته شدند. زنی در کنار من از خانواده کاتوویچ که حامله بود، دائماً داد می‌زد و از درد به خود می‌پیچید تا اینکه در روز بعد بالاخره جان سپرد. من به‌خاطر تکه نانی که به‌همراه داشتم و برای خوردنم در راه گرفته بودم، زنده ماندم. دیگران هم مانند من این‌چنین کردند. در جیب بسیاری از اطفال و کودکان تکه‌های نانی بود و من به‌واسطه خوردن همین نان‌ها زنده ماندم. ابتدا خیلی می‌ترسیدم ولی تکرار این عمل (برداشتن نان از جیب قربانیان) برایم عادی شد. در چاه به‌دلیل انباشته شدن اجساد روی هم بوی بدی متصاعد می‌شد. ۸۱ روز بعد کشاورزان روستایی نفیسن، مرا از داخل این چاه نجات دادند. پس از خارج شدن از چاه وزنم به ۳۰ کیلوگرم رسیده بود درحالی‌که پیش‌ازاین، وزن طبیعی‌ام ۷۰ کیلوگرم بود. نک: محمدجواد آسایش زارچی، رضا آقاراضی درمنی، مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگوین (تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۸)، چاپ اول، ۸۸.

25. SC.Res. 808 (1993), 22 February 1993, 2.

۲۶. از دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت می‌توان به قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۳ که به‌ترتیب در ۲۲ فوریه و ۲۵ می ۱۹۹۳ صادر شدند، اشاره نمود.

امنیت، در ۲۵ مه ۱۹۹۳ مورد تصویب قرار گرفت.^{۲۷} دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق یک دادگاه موقتی و منطقه‌ای بود که مقر آن در شهر لاهه هلند قرار دارد. این دادگاه بر اساس صلاحیت خود می‌تواند این چهار دسته از جرایم، نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو، نقض قوانین یا رسوم جنگ، کشتار دسته‌جمعی و جنایات علیه بشریت را تحت تعقیب قرار دهد.^{۲۸} از جمله این جرایم عبارتند از جرایم عمده‌ای نظیر قتل، شکنجه، تجاوز، انتقال اجباری و تخریب گستردهٔ اموال، لذا در کارنامه مشاهده می‌گردد که این دادگاه تاکنون بالغ بر ۱۶۱ نفر را به دلیل نقض شدید حقوق بشردوستانه در کرواسی، بوسنی و هرزگوین، صربستان، کوزوو و جمهوری مقدونیه طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۴، تحت پیگرد قانونی قرار داده است.^{۲۹} و نتیجه محاکمات آن بوده است که تعداد هیجده نفر تبرئه و ۷۴ نفر محکوم و مابقی در دست رسیدگی می‌باشند تا از جمله نکات جالب مندرج در اساسنامه دادگاه در مسیر عدالت قضایی آن است که عناوین رسمی متهمان نظیر، رئیس دولت یا حکمران حکومت، نخست‌وزیر، رؤسای ستاد ارتش، وزیر داخلی، کارمند عالی‌رتبه و رهبران ارتش و ادارهٔ پلیس و بسیاری از عناوین سیاسی دیگر، مانع از تعقیب کیفری افراد نمی‌گردد. همچنین ساختار دادگاه از شعبه‌ها (سه شعبه برای محاکمه بدوی و یک شعبه استیناف)، دادستانی و بایگانی تشکیل شده است. هزینهٔ دادگاه از محل بودجهٔ عادی سازمان ملل تأمین می‌شود.

این دادگاه تابع قوانین ملی هیچ کشوری نیست و نسبت به محاکم ملی از صلاحیت موازی و درعین‌حال تقدّم و اولویت جهت تعقیب افرادی که از اول ژانویه ۱۹۹۱ مرتکب نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق شده بودند، برخوردار است. صلاحیت ذاتی دادگاه ناظر به تعقیب اشخاص حقیقی است که به سبب نقض فاحش کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، تخلف از قوانین و عرف‌های جنگ، ارتکاب نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت در حین درگیری‌های مسلحانه که بی‌تردید بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به‌شمار می‌روند، از مسئولیت کیفری برخوردارند.^{۳۰} به‌موجب

۲۷. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی که با پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل و بدون اصلاح توسط شورای امنیت پذیرفته شده که از منابع مالی سازمان ملل تغذیه می‌شوند.

۲۸. به‌موجب بند ۱ ماده ۱۶ و ماده ۱۸ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، دادستان مسئول تعقیب اشخاصی شد که از سال ۱۹۹۱ به بعد، حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض کرده‌اند.

29. "International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia," International Residual Mechanism for Criminal Tribunals, 2017/09/11, <http://www.icty.org/en/cases/judgement-list>.

۳۰. کیتی شیپیرزی، پیشین، ۵۲.

ماده ۲ اساسنامه این دادگاه بین‌المللی اختیار دارد مرتکبین و یا آمرین موارد نقض فاحش مقررات کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو^{۳۱} را تحت تعقیب قرار دهد و موارد نقض نیز بیان شده است. در هیچ‌کدام از این دو ماده در مورد جنایات ارتكابی علیه زنان جرم انگاشته نشده است. البته ماده ۵ اساسنامه این دادگاه «جنایت علیه بشریت» را موردتوجه قرار داده و بیان می‌دارد: «این دادگاه بین‌المللی اختیار خواهد داشت اشخاص را که مسئول جنایات زیر بوده‌اند، تعقیب نماید، مشروط بر اینکه ارتكاب جنایات در خلال منازعه مسلحانه چه با خصیصه داخلی و چه بین‌المللی صورت گرفته متوجه هرگونه جمعیتی از غیرنظامیان باشد: الف) قتل عمدی؛ ب) نابودسازی؛ ج) به بردگی گرفتن؛ د) اخراج؛ ه) به اسارت گرفتن؛ و) شکنجه؛ ز) تجاوز به عنف؛ ح) انواع آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی؛ ط) دیگر اعمال غیرانسانی.» البته با دقت درمی‌یابیم که در این ماده نیز از جنایات مختص به زنان، ازدواج اجباری، حاملگی اجباری، بردگی اجباری و فحش‌های اجباری نامی برده نشده است تنها تجاوز به عنف مطرح شده که آن هم اختصاص به زنان ندارد و در طی مخاصمات قربانیان مذکور بسیاری دارد. لذا این عدم‌توجه باعث شده است تا این دادگاه در رویه خویش نیز هنگام بررسی جنایات ارتكابیافته علیه زنان دیدگاه محدودی داشته باشد.^{۳۲}

البته تنها از موارد محدودی که می‌توان در این باب مثال زد رسیدگی به اتهاماتی من‌جمله تجاوز و خشونت جنسی است که در قضیه «کونارک»^{۳۳} صورت گرفته بود اما با این اوصاف علی‌رغم تصاحب طولانی‌مدت زنان زیادی در طول این جنگ، استفاده از واژه «همسر» مدّ نظر قرار نگرفت^{۳۴} و دادگاه یوگسلاوی سابق رهبران صرب‌های بوسنیایی و سربازانی را که به‌صورت مکرر عمل تجاوز انجام می‌دادند و زنان مسلمان را حبس می‌کردند نه به‌عنوان ازدواج اجباری و نه به‌عنوان بردگی جنسی بلکه صرفاً به‌عنوان نمونه‌ای از بردگی طبق بند ۳ ماده ۵ اساسنامه تحت تعقیب، پیگرد و محاکمه قرار داده‌اند.^{۳۵}

۳۱. مهم‌ترین قوانین بین‌المللی حاکم بر حقوق بشردوستانه چهار معاهده ژنو در سال ۱۹۴۹ در مورد بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای نظامی؛ بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای نظامی در دریا، رفتار با اسیران جنگی و پشتیبانی از اشخاص غیرنظامی در دوران جنگ است که تاکنون تقریباً تمام کشورها به آن پیوسته‌اند و این معاهدات به‌عنوان قواعد عام‌الشمول بین‌المللی موردتوجه و رعایت قرار دارد.

۳۲. رستمی، پیشین، ۵۳.

33. Kunarac.

34. (*Judgment*) (International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Trial Chamber II, Case Nos IT-96-23-T and IT-96-23/1-T, 22 February 2001) (“*Kunarac*”).

35. *Kunarac* (International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Trial Chamber II, Case Nos IT-96-23-T and IT-96-23/1-T, 22 February 2001) [515]-[543]. For Detailed Discussion, see:

۴- دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا ۱۹۹۴

در ششم آوریل ۱۹۹۴ هوایمای حامل «جوئال هابی آریمانا»^{۳۶}، رئیس‌جمهور هوتویی رواندا و «سیپرین نتاریامیرا»^{۳۷}، رئیس‌جمهور بروندي، درحال فرود آمدن در فرودگاه کیگالی، پایتخت رواندا مورد اصابت موشک فرد یا افراد ناشناس قرار گرفت و سرنشینان آن کشته شدند. هوتوهای افراطی که عمدتاً متشکل از مردان طرفدار دولت وقت بودند، حمله به هوایمای حامل رئیس‌جمهوری را به قبیله و قوم توتسی‌ها نسبت داده، آن را اعلان جنگ قلمداد کردند؛ لذا تسویه حساب با اقلیت‌های توتسی و مخالفان رژیم هوتو به‌طور گسترده و سازمان‌یافته در پایتخت رواندا (کیگالی)^{۳۸}، آغاز گردید. به‌نحوی که پلیس و سربازان، شهروندان عادی را به شرکت در این قتل‌عام تشویق کردند و در برخی موارد غیرنظامیان هوتو را وادار کردند که همسایگان توتسی خود را به قتل برسانند.^{۳۹} این نسل‌زدایی در کمتر از یکصد روز تحقق پیدا کرد. بسیاری از قربانیان را کودکان، زنان و سالخورده‌گان تشکیل می‌دادند. به‌دنبال این نسل‌زدایی، نیروهای شورشی توتسی موسوم به «جبهه میهنی رواندا» در جهت کسب قدرت و توقف کشتار، تهاجم خود را علیه هوتوها آغاز کردند؛ اگرچه این گروه نیز درمقابل با هوتوها بعضاً دست به جنایات مشابه اقدامات هوتوها زدند. درنهایت در ۱۸ جولای ۱۹۹۴ جبهه میهنی رواندا کنترل کشور را به‌دست گرفت و نسل‌زدایی پایان یافت اما باید اعتراف کرد که نسل‌زدایی در رواندا از جمله فجیع‌ترین وقایع تاریخی قرن بیستم محسوب می‌شود. آمارها حاکی از آن است که در منازعات این کشور، علاوه بر کشته شدن حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر، حدود دویست و پنجاه تا پانصد هزار مورد تجاوز جنسی صورت گرفته است.^{۴۰} بر اثر بحران رواندا تا اواسط ماه جولای ۱۹۹۴ بیش از دو میلیون رواندایی مجبور

Patricia Sellers, "Wartime Female Slavery: Enslavement?," *Cornell International Law Journal* 44 (2011): 115, 125-7. See: eg, *Prosecutor v Katanga (Decision on the Confirmation of Charge)* (International Criminal Court, Pre-Trial Chamber I, ICC-01/04-01/07-716-Conf, 26 September 2008) for the use of the category "any other inhumane act". See also M Cherif Bassiouni, *Crimes against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application* (Cambridge University Press, April 25, 2011), 410.

36. Juvenal Habyarimana.

37. Cyprien Ntaryamira.

38. Kigali.

۳۹. کلی - کیت اس پیس، *سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴)، ۴۱۵-۴۱۴.

۴۰. حسین میرمحمد صادقی، «اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه»، *ماهنامه دادرسی* ۲(۷) (۱۳۷۷)، ۱۶۱.

شدند به کشورهای همسایه مهاجرت کنند. صدها هزار رواندایی نیز در کمپ‌هایی واقع در برونودی، تانزانیا و زئیر سکنی گزیده بودند.

لذا متعاقب این فجایع «دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا» به‌موجب قطعنامه ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ شورای امنیت به‌وجود آمد. صلاحیت آن ناظر به تعقیب افرادی (اشخاص حقیقی) بود که از ۱ ژانویه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴، مرتکب جنایت نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی به آن گردیده‌اند.^{۴۱} این دادگاه مستقل از دادگاه یوگسلاوی سابق بود. اساسنامه آن، همانند دادگاه یوگسلاوی قطعنامه شورای امنیت است. به‌موجب ماده ۱ این اساسنامه، این دادگاه: «اختیار تعقیب اشخاص مسئول نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سرزمین رواندا و شهروندان رواندایی مسئول این نقض‌ها در سرزمین دولت‌های همسایه، بین اول ژانویه ۱۹۹۴ و ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ را برطبق مقررات این اساسنامه دارا می‌باشد.»

در ماده ۳ با عنوان «جنایت علیه بشریت» مقرر شده است: «دادگاه بین‌المللی رواندا اختیارات لازم را دارد تا اشخاصی را که مسئول جنایات زیر بوده‌اند، تعقیب نماید، مشروط بر اینکه ارتکاب جرم به‌صورت بخشی از یک تعدی گسترده و سازمان‌یافته علیه هرگونه جمعیتی از غیرنظامیان و به دلایل ملی، سیاسی، قومی، نژادی، یا مذهبی صورت گرفته باشد: الف) قتل عمدی؛ ب) نابودسازی؛ ج) به بردگی گرفتن؛ د) بیرون راندن؛ ه) به اسارت گرفتن؛ و) شکنجه؛ ز) هتک ناموس به عنف؛ ح) انواع زجر و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی؛ ط) سایر اعمال غیرانسانی.» درنهایت ماده ۴ اساسنامه به دادگاه این اختیار را داده است تا:^{۴۲}

دادگاه بین‌المللی رواندا، اختیار خواهد داشت تا اشخاصی را که مرتکب تخلفات عمده از ماده ۳ مشترک کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو راجع به حمایت از قربانیان جنگ و یا پروتکل الحاقی دوم به آن مورخ ژوئن ۱۹۷۷ گردیده یا دستور ارتکاب آنها را داده باشند، تعقیب نماید. برخی مصادیق تخلفات موصوف بی‌آنکه محدود به موارد زیر باشد عبارت‌اند از: الف) تعرض نسبت به جان، سلامتی و آسایش جسم یا روان اشخاص به‌ویژه قتل عمدی و همچنین رفتار بی‌رحمانه از قبیل شکنجه، ایراد نقص بر اعضای بدن یا هر قسم دیگری از مجازات جسمانی؛

۴۱. باتوجه به قطعنامه‌های ۸۰۸ و ۸۲۷ شورای امنیت می‌توان دریافت که تصمیمات دادگاه نورنبرگ و دو دادگاه ویژه که توسط شورای امنیت برای رسیدگی به اشخاص مظنون به تجاوزات شدید به حقوق بشردوستانه بین‌المللی در یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل شده از منابع مهم حقوق بین‌الملل هستند.

۴۲. عنوان این ماده عبارت است از: موارد تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم.

ب) مجازات‌های دسته‌جمعی؛ ج) گروگان‌گیری؛ د) اقدامات دهشت‌افکنی؛ ه) هتک حرمت شخصی، به‌ویژه رفتار موهن و تحقیرآمیز، هتک ناموس به عنف، به فحشا واداشتن و دیگر اشکال تجاوز منافی عفت؛ و [...]؛ ز [...]؛ ح) تهدید به انجام هر یک از اقدامات مذکور فوق. همان‌طور که ذکر شد این اساسنامه هم در شناسایی اعمالی که جرم تلقی شده و قابل مجازات است همانند دادگاه یوگسلاوی سابق عمل کرده است و تنها در ماده ۴ بند (ه) پس از ذکر هتک ناموس به عنف به فحشا واداشتن و دیگر اشکال تجاوز به عفت جرم تلقی شده است که یک نوآوری نسبت به اساسنامه‌های پیشین می‌باشد؛ اما هنوز به مسئله ازدواج اجباری به‌عنوان یک جرم مستقل نگریسته نشده است.

البته شایان ذکر است که ذکر محدود این اعمال به‌عنوان جنایات کافی نیست چراکه جنایات ارتكابی علیه زنان در طی مخاصمات مسلحانه در رواندا تصادفی و موردی نبوده بلکه یک تاکتیک جنگی بوده است. این اعمال به‌طور سیستماتیک و در سطح گسترده وقوع یافته و لطمات شدید و جبران‌ناپذیری را بر زنان وارد آورده بود و منجر شد که تحت خشونت‌های شدید جنسی و جرایم جنسی قرار بگیرند.^{۴۳} درمورد فرایند دادرسی این دادگاه باید گفت اولین متهم در می ۱۹۹۶ به بازداشتگاه دادگاه وارد شده و اولین محاکمه در ژانویه ۱۹۹۷ آغاز گردید؛ و درخصوص دعاوی مختومه تا ماه می ۲۰۱۴ تعداد ۷۵ رأی صادر شده است.^{۴۴} به‌طور مثال می‌توان به پرونده «جین آکایسو»^{۴۵} اشاره نمود که اتهامات او طبق مواد ۱ الی ۴ و ماده ۱۷ اساسنامه این دادگاه، نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، شکنجه، هتک حرمت و تجاوز جنسی نام برده شده است. سرانجام این دعوا صدور حکم حبس ابد برای متهم بود. از محکومین دیگر دادگاه، «پالین نیریماشیکا»^{۴۶} وزیر زنان و خانواده رواندا می‌باشد که خود بخش اعظمی از کشتار مردان رواندا را عهده‌دار بوده است.^{۴۷} خانم بنیفر نوروچی^{۴۸} در کتاب مستند خود در این زمینه تحت عنوان «زندگی‌های شکست‌خورده: خشونت‌های جنسی در نسل‌زدایی در رواندا و بعد از آن» بیان می‌دارد که به بردگی گرفتن جهت ازدواج اجباری در

43. See: Sandra Ka Hon Chu & Anne-Marie de Brouwer, eds, *The Men Who Killed Me: Rwandan Survivors of Sexual Violence* (Vancouver: Douglas & McIntyre, 2009).

۴۴. البته دو نفر به‌دلیل فقدان دلیل آزاد شده‌اند و ده پرونده نیز به دادگاه‌های ملی ارجاع داده شده است. برای

مطالعه بیشتر نک: <http://www.unict.org/Cases/StatusofCases/tabid/204/Default.aspx>

45. Akayesu, Jean Paul.

46. Niyitegeka.

۴۷. اس پیس، پیشین، ۴۲۳.

48. Binaifer Nowrojee.

طول نسل‌زدایی در رواندا و بعد از آن بسیار کم گزارش شده به غیر از دو مورد ازدواج اجباری که به‌عنوان اشکالی از خشونت جنسی از آن نام برده شده است. وی در مقدمه گزارش ۱۹۹۶ خود بیان می‌کند:^{۴۹}

«زنانی که به آنها اجازه زندگی داده شده بود به تدریج از ناراحتی درمی‌گذشتند چراکه بیشتر آنها مورد بردگی جنسی قرار گرفته و توسط نیروهای غیرنظامی به‌صورت دسته‌جمعی و گروهی نگهداری می‌شدند و جهت خدمات جنسی از آنها استفاده می‌شد. نیروهای غیرنظامی زنان را مجبور به اعمال جنسی کرده و در صورت استنکاف، آنها را تهدید به مرگ می‌کردند. ازدواج اجباری که در رواندا به‌عنوان اشکالی از بردگی جنسی از آن یاد می‌شود تا چند روز قبل از نسل‌زدایی ادامه داشته و در مواردی بعد از آن هم طول می‌کشید.»^{۵۰}

جنی برنت^{۵۱} نیز به خشونت‌های جنسی تأکید کرده و ازدواج اجباری را در زمره خشونت‌هایی که علیه زنان ارتکاب یافته بود بیان می‌کرد: «ویژگی اساسی نسل‌زدایی ۱۹۹۴ در رواندا خشونت جنسی بوده است. از خشونت جنسی (که شامل ازدواج اجباری، تجاوز، شکنجه جنسی و قطع عضو جنسی می‌شد) به‌عنوان شکنجه، تهدید، ارباب و کشتن زنان و دختران حکومت قبلی، تحقیر و اهانت به مردانی که نمی‌توانستند از همسران و دختران خود حمایت کنند، استفاده می‌شد.»^{۵۲}

به‌طور کلی از ازدواج اجباری به‌ندرت به‌عنوان شکلی از خشونت جنسی که به‌صورت مختلف در طول نسل‌زدایی در رواندا صورت گرفت، صحبت شده و هرگز تحت رسیدگی قرار نگرفت^{۵۳} و علی‌رغم وجود آن و پایداریش در تحقیقات به‌عمل‌آمده در رابطه با نسل‌زدایی بدون بررسی و مدرک باقی ماند.

49. Binaifer Nowrojee, *Human Rights Watch, Shattered Lives: Sexual Violence during the Rwandan Genocide and its Aftermath* (New York: Human Rights Watch, 1996), 17 (<https://dspace.library.uu.nl/bitstream/handle/1874/289884/kaitesi.pdf?sequence=1>) [Nowrojee, *Human Rights Watch*]; Beth Van Schaack, "Engendering Genocide: The Akayesu Case before the International Criminal Tribunal for Rwanda," *Santa Clara Univ. Legal Studies Research Papers Series, Working Paper* 08-55 (July 2008): 27 (<https://digitalcommons.law.scu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1626&context=facpubs>). See also Binaifer Nowrojee, "Your Justice is too Slow: Will the ICTR Fail Rwanda's Rape Victims?," (United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD) Occasional Paper, Geneva, November 2005) [Nowrojee, "Your Justice"].

50. Nowrojee, *Human Rights Watch*, *supra* note 51 at 2.

51. Jennie Burnet.

52. Jennie E Burnet, "Sexual Violence and Ethnic/ Racial Identity in the 1994 Rwandan Genocide," (Paper Delivered at the Sexual Violence and Conflict in Africa Workshop, Carleton University, 5-6 May 2010), [unpublished].

53. Annie Bunting, "'Forced Marriage' in Conflict Situations: Researching and Prosecuting Old Harms and New Crimes," *Canadian Journal of Human Rights* (2012): 7.

لذا به نظر می‌رسد بهتر این بود که به‌طور جامع‌تری و با ذکر تمامی اشکال خشونت علیه زنان حمایت قابل‌ملاحظه‌تری از آنان به‌عمل آورند. البته باید گفت در رویه این دادگاه به نسبت اساسنامه آن رویکرد موسّع‌تری در مورد جنایت ارتكابی علیه زنان اتخاذ شده بود اما همان‌طور که ذکر گردید مسئله ازدواج اجباری را به‌عنوان یک جنایت علیه زنان موردِ شناسایی قرار نداد.^{۵۴}

۵- دادگاه ویژه سیرالئون، ۲۰۰۲

دادگاه ویژه سیرالئون، به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در سیرالئون و بر اساس موافقت‌نامه بین سازمان ملل متحد و دولت سیرالئون تشکیل شد. درحالی‌که اساسنامه‌های دادگاه یوگسلاوی و رواندا را شورای امنیت تصویب کرد، اما اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، موافقت‌نامه‌ای میان سازمان و دولت سیرالئون می‌باشد که در ۱۲ آوریل ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد تا به تعقیب و محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه بین‌المللی که اعضای جبهه متحد انقلابی بودند، مبادرت ورزد.

به‌موجب ماده ۲ اساسنامه، این دادگاه ویژه، اختیار تعقیب اشخاصی را دارد که جنایات زیر را به‌عنوان یک حمله گسترده یا نظام‌یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی مرتکب شده‌اند: الف) قتل عمد؛ ب) نابودسازی؛ ج) به بردگی گرفتن؛ د) اخراج؛ ه) حبس؛ و) شکنجه؛ ز) تجاوز به عنف، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری و هرگونه اشکال دیگر خشونت جنسی؛ ح) آزار و اذیت به دلایل سیاسی، نژادی، قومی یا مذهبی؛ ط) دیگر اقدامات غیرانسانی.

بنابراین مشاهده می‌گردد که برای اولین بار در این دادگاه ازدواج اجباری جرم‌انگاری گشت.

۵-۱- سیر رسیدگی به جرم ازدواج اجباری در دادگاه ویژه سیرالئون

از زمان شروع جنگ داخلی در سیرالئون که بر اثر شورش گروهی که از لیبریا در سال ۱۹۹۱ وارد آنجا شده بودند^{۵۵} تا زمانی که مجدداً صلح به این کشور در سال ۲۰۰۲ بازگشت^{۵۶}، بر

۵۴. رستمی، پیشین ۵۵-۵۲.

55. *RUF Trial* (Special Court for Sierra Leone, Trial Chamber I, Case No SCSL-04-15-T, 2 March 2009) [12].

56. *Ibid.*, [44].

اساس آمار به‌دست‌آمده حدود ۷۰۰۰۰ نفر کشته شدند^{۵۷}؛ و متأسفانه بخش عمده‌ای از جرایم ارتكابی در مخاصمات سیرالئون را جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت به‌ویژه ازدواج اجباری تشکیل می‌دهد.^{۵۸} در این مخاصمات، زنان و دخترانی که به‌طور سازمان‌یافته توسط شورای انقلابی نیروهای مسلح ربوده می‌شدند، مجبور به ایجاد روابط زناشویی اجباری، کار اجباری، حاملگی اجباری و تربیت فرزندان می‌گشتند.^{۵۹} حتی زنان سرباز مجبور به ایفای یک سری از وظایف من‌جمله وظایف جنسی در کنار نقش خود به‌عنوان سرباز بوده و در دوران جنگ مورد انواع بی‌رحمی‌ها توسط سربازان مرد قرار می‌گرفتند.^{۶۰} گرچه ازدواج اجباری منحصرأً مربوط به مخاصمات سیرالئون نمی‌گردد و چنین اعمالی در جنایات رواندا و اوگاندا نیز مشاهده شده بود، اما همان‌طور که ذکر گردید، این عمل برای اولین بار در دادگاه سیرالئون مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفت.^{۶۱} بنابراین کیفرخواست‌های اولیه علیه شورای انقلابی نیروهای مسلح^{۶۲} دربردارنده هفده مورد از مصادیق جنایت علیه بشریت، نقض ماده ۳ کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل دوم الحاقی و سایر نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی بود. به‌دنبال درخواست از دادستان برای اصلاح کیفرخواست‌های صادرشده، ازدواج اجباری بر اساس بند ۹ ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه، به کیفرخواست‌ها منضم و متعاقباً جهت تأیید دادگاه ویژه به شعبه بدوی دادگاه ارائه گردید. در این خصوص دادستان با این مشکل روبه‌رو بود که ازدواج اجباری به چه نحو در کیفرخواست مطرح گردد. گرچه ازدواج اجباری بدون ذکر در اساسنامه دادگاه ویژه مطرح شده بود اما دادستان از صلاحیت بیشتری نسبت به دادستان‌های دادگاه‌های بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق جهت تعقیب جرایم جنسی برخوردار بود چراکه اساسنامه‌های دادگاه‌های ویژه یوگسلاوی و رواندا صرفاً تجاوز را در زمره جرایم علیه

57. Ibid [45]-[46]. See also Mary Kaldor and James Vincent, "Case Study: Sierra Leone - Evaluation of UNDP Assistance to Conflict-Affected Countries," (Report, United Nations Development Programme, 2006), 4.

58. برای آگاهی بیشتر از خشونت جنسی و ارتكاب ازدواج‌های اجباری در طی مخاصمات مسلحانه در

سیرالئون. نک:

"We'll Kill You If You Cry: Sexual Violence in the Sierra Leone Conflict," Human Rights Watch, January 15, 2003, <http://www.hrw.org/en/reports/2003/01/15/well-kill-you-if-you-cry> (Visited 9 March 2009).

59. Judgment, Brima, Kamara and Kanu, (SCSL-04-16-T), Appeal Chamber, 12 Feb 2008, 190 (Hereinafter AFRC Appeal Judgment).

60. Chris Coulter, *Bush Wives and Girl Soldiers: Women's Lives through War and Peace in Sierra Leone* (Cornell University Press, 2009), 126.

61. See: K Carlson, D Mazurand, *Forced Marriage within the Lord's Resistance Army, Uganda* (Medford: Feinstein International Center, 2008).

62. Revolutionary United Front ('RUF').

بشریت دسته‌بندی کرده بود، درحالی‌که بر اساس اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، جنایت علیه بشریت شامل تجاوز، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری و هرگونه اشکال دیگر خشونت جنسی است.^{۶۳}

هرچند تجربه ازدواج اجباری گسترده و خشونت علیه زنان تنها مختص به سیرالئون نبود^{۶۴} اما اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون صلاحیت جدید و بی‌نظیری را برای رسیدگی و تعقیب خشونت علیه زنان که نه‌تنها شامل تجاوز مانند آنچه که در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا صورت گرفته بود، می‌شد بلکه بردگی جنسی، حاملگی اجباری، فحشای اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی را نیز شامل شده بود.^{۶۵}

باوجوداین، کیفرخواست‌ها از مشخص کردن این موضوع که ازدواج اجباری را بر چه اساس زیرمجموعه دسته سایر اعمال غیرانسانی یا هتک حرمت منزلت فرد می‌دانند، قاصر ماندند. در حقیقت سایر اشکال خشونت جنسی، سایر اعمال غیرانسانی و هتک حرمت منزلت فردی جرایمی هستند که نیاز به‌نوعی شفاف‌سازی دارند تا بتوان رفتارهایی را که زیرمجموعه آنها قرار می‌گیرند، تبیین کرد.^{۶۶}

عدم‌تعیین ماهیت ازدواج اجباری در کیفرخواست‌ها، سؤالاتی را ایجاد کرد؛ ازجمله اینکه آیا متهمان از ماهیت عمل اتهامی مطلع گردیده‌اند؟ چراکه بدون آگاهی از این موضوع که اتهام آنها (ازدواج اجباری) به چه نحو جرم‌انگاری شده است، قادر نخواهند بود که از جایگاه خود دفاع کنند. به‌عبارت‌دیگر این کیفرخواست‌ها صرفاً این موضوع را مدّ نظر قرار دادند که زنان و دختران در مناطق مختلف سیرالئون به مدت طولانی مجبور به ازدواج گشتند اما کیفرخواست‌ها به‌هیچ‌وجه متضمن هیچ‌گونه اطلاعی پیرامون اجزای اختصاصی ازدواج اجباری نبود.^{۶۷}

63. Art 2(g) ICTY st. 3(g) ICTR st, 2(g) SCSL st.

64. Forced marriage reportedly arose from conflicts across Africa, specifically in Rwanda, Mozambique and Uganda: Bridgette A Toy-Cronin, "What is Forced Marriage? towards a Definition of Forced Marriage as a Crime against Humanity," *Columbia Journal of Gender and Law* 19 (2010): 539, 557-61.

65. *SCSL Statute* art 2(g) specifically includes '[r]ape, sexual slavery, enforced prostitution, forced pregnancy and any other form of sexual violence' as crimes against humanity and art 3(e) lists '[o]utrages upon personal dignity', including rape, as war crimes.

66. Rose Cecily, "Troubled Indictments at the Special Court for Sierra Leon," *Journal of International Criminal Justice* 7 (2009): 390.

67. AFRC Indictment., (SCSL-04-16-T), 2006, paras 55-60.

۵-۲- رویکرد شعبه بدوی پیرامون جرم‌انگاری ازدواج اجباری

تصمیم شعبه بدوی حول این محور اتخاذ گردید که «سایر اعمال غیرانسانی» گروهی خاص است و جرایمی را شامل می‌گردد که اختصاصاً به‌عنوان جرایم علیه بشریت احصاء نگردیده‌اند. برای آنکه بتوان ازدواج اجباری را مشمول جرایم علیه بشریت قرار داد باید آن را در زمره «سایر اعمال غیرانسانی» پوشش داد.^{۶۸} برای این کار لازم است تا چهار عامل را احراز و اثبات کرد: الف) تحمیل رنج عظیم به‌وسیله اعمال غیرانسانی؛ ب) شباهت آن به سایر جرایم علیه بشریت؛ ج) رابطه بین اعمال ارتکاب‌یافته و خشونت‌های سیستماتیک؛ د) نیاز به ایجاد یک جرم متفاوت و جدید.^{۶۹} به‌بیان‌دیگر، برای آنکه ازدواج اجباری مشمول «سایر اعمال غیرانسانی» قرار بگیرد، ضروری است تا هیچ‌یک از مصادیق جنایت علیه بشریت که در ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه آمده، نتواند این جرم را پوشش دهد.^{۷۰} شعبه بدوی به این یافته رسید که جرم‌انگاری ازدواج اجباری از رهگذر بردگی جنسی استنتاج می‌شود و هیچ دلیل منطقی مبتنی بر ازدواج اجباری از بردگی جنسی وجود ندارد.^{۷۱} از این‌رو دادگاه اقدام به تحلیل جرم بردگی جنسی بر مبنای اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری کرد: ۱- مرتکب با اعمال همه یا برخی اقتدارات نسبت به فرد یا افراد، از طریق خرید، فروش، اجاره یا معاوضه اعمال مالکیت کند؛ ۲- مرتکب فرد یا افرادی را مجبور به ارتکاب اعمال با ماهیت جنسی کند؛ ۳- مرتکب چنین اعمالی قصد اعمال بردگی جنسی را داشته و یا دلایل منطقی مبنی بر احتمال وقوع چنین جرمی وجود داشته باشد.

از این‌رو، شعبه بدوی متقاعد گردید که تمامی این عناصر در ازدواج اجباری در سیرالئون محرز بوده است. در حقیقت ارتباط میان شورشیان و همسرانشان مصداقی از رابطه مالکیت بوده، چراکه آنها کنترل کامل بر رفت‌وآمد، کار و رابطه جنسی همسرانشان داشته و موجب محرومیت آنها از آزادی می‌شدند.^{۷۲} به‌عبارت‌دیگر استفاده از واژه ازدواج به‌هیچ‌وجه مؤید آن نبوده که یک رابطه زناشویی با حقوق و تکالیف متقابل ایجاد گردد؛ بلکه این ارتباط نوعی سلطه و مالکیت قربانی بر اساس اذن مرتکب بوده است. در واقع دادگاه بر این باور بود که

68. SCSL Statute art 2(i).

69. See: Rachel Slater, "Gender Violence or Violence against Women the Treatment of Forced Marriage in the Special Court for Sierra Leone?," *Melbourne Journal Of International Law* 13 (11 May 2012): 5-7.

70. AFRC Trial Chamber Judgment, *op.cit.*, para 703.

71. *Ibid.*, para. 713.

72. *Ibid.*, para.711

دلیلی وجود ندارد که ازدواج اجباری منجر به بردگی جنسی نشده باشد. به‌علاوه، حتی اگر چنین شواهدی هم وجود داشت باز هم نمی‌توان ازدواج اجباری را در زمره «سایر اعمال غیرانسانی قرار داد؛ زیرا این جرم از شدتی مشابه با سایر مصادیق برشمرده جنایت علیه بشریت برخوردار نیست. گرچه مقام تعقیب‌کننده بر سایر جنبه‌های این جرم جدید، از جمله تحمیل شرایط زناشویی، کار اجباری و تبعیض گسترده علیه زنان که منجر به ورود لطمه و آسیب به آنها در جامعه می‌گردد، تأکید کرد، اما از آنجاکه تمرکز اصلی شعبه بدوی بر جنبه جنسی جرم ازدواج اجباری در سیرالئون بود، لذا دادگاه نتوانست سایر عناصر مهم تشکیل‌دهنده جرم ازدواج اجباری را مورد‌ارزیابی قرار دهد.»^{۷۳}

۵-۳- احراز ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط شعبه تجدیدنظر

شعبه تجدیدنظر برای تصمیم‌گیری درخصوص ازدواج اجباری با سه مسئله روبه‌رو بود: (۱) آیا طبقه‌بندی جرایم جنسی بر اساس بند ۷ ماده ۲ اساسنامه موجب مستثنا کردن جرایم دارای ماهیت جنسی از دسته «سایر اعمال غیرانسانی» می‌گردد؟ (۲) آیا ازدواج اجباری می‌تواند متمایز از بردگی جنسی باشد؟ (۳) آیا ازدواج اجباری از عناصر تشکیل‌دهنده جرایمی که مربوط به «سایر اعمال غیرانسانی» است، برخوردار می‌باشد؟

دادگاه در رأی خود، دسته «سایر اعمال غیرانسانی» را مقرره‌ای فرعی و جانبی دانست که هدف از درج آن، امکان فراهم کردن تعقیب رفتارهایی است که چون از شدت قابل‌مقایسه‌ای با مصادیق احصاء‌شده جنایت علیه بشریت برخوردارند، می‌توانند جنایت علیه بشریت تلقی گردند. درحالی‌که دادگاه بر این مسئله واقف بود که تفسیر موسع از «سایر اعمال غیرانسانی» منجر به ابهام نوعی جرم و اثبات آن می‌گردد، اذعان می‌دارد که ازدواج اجباری ویژگی خاصی دارد و آن، رابطه زناشویی اجباری است که منجر به صدمات روحی و فیزیکی درازمدت می‌گردد. درواقع از نظر دادگاه، ازدواج اجباری برخلاف بردگی جنسی، مشخصاً جرم جنسی نیست.^{۷۴} در انتها شعبه تجدیدنظر یادآوری می‌کند که در مخاصمه سیرالئون، ازدواج اجباری در وضعیتی بود که در آن مرتکب از طریق گفتار و یا رفتار، فردی را به اجبار یا تهدید

73. Ibid, para 713

74. AFRC Appeal Judgment, 2008, para195.

مجبور به ایفای وظایف زناشویی می‌کرد که این امر صدمات جبران‌ناپذیری را بر قربانی وارد می‌ساخت.^{۷۵}

دیدگاه شعبه تجدیدنظر دادگاه ویژه سیرالئون را در مورد ازدواج اجباری می‌توان ارزشمند شمرد. این شعبه برای اولین بار در تاریخ محاکم کیفری ازدواج اجباری را بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کرد. نظر شعبه تجدیدنظر در این قضیه حاوی سه یافته قابل توجه است: نخست آنکه طیف گسترده جرایم جنسی در ماده ۲ اساسنامه دادگاه سیرالئون مانع از امکان تعمیم سایر اعمال غیرانسانی به جرایمی با ماهیت جنسی نیست. به‌عبارت‌دیگر، گرچه ازدواج اجباری مانند بردگی جنسی شامل اجبار به ارتباط جنسی و محدودیت از آزادی است، اما ازدواج اجباری دارای مشخصه متمایز ارتباط زناشویی اجباری است و برخلاف بردگی جنسی منحصراً بین زن و شوهر است.^{۷۶} سرانجام شعبه تجدیدنظر به این جمع‌بندی رسید که مصادیق ازدواج اجباری در مخاصمه مسلحانه سیرالئون از شدتی مشابه با سایر مصادیق جنایت علیه بشریت که در اساسنامه این دادگاه ذکر شده برخوردار است. شعبه تجدیدنظر، وجه تمایز این جرم از سایر جرایم جنسی را در قضیه «بریما، کامارا و کانو»^{۷۷} مورد تأیید قرار داد که به‌اختصار به توضیح آن می‌پردازیم.

۵-۴- محاکمه رهبران شورشی انقلابی نیروهای نظامی

دادستان در ۷ مارس ۲۰۰۳ کیفرخواستی علیه رهبران شورشی انقلابی، الکس تامبا بریما، ابراهیم بازی کامارا و سانتیگیه بوربور کانو صادر کرد. پس از مدتی دادستان با جلب رضایت شعبه بدوی اول در ۶ می ۲۰۰۴، عنوان مجرمانه ازدواج اجباری را ضمیمه این کیفرخواست کرد. شعبه دوم بدوی نیز در ۷ مارس ۲۰۰۵ رسیدگی به اتهامات آنها را آغاز و سرانجام رأی خود را در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ صادر کرد. این شعبه طبق بند ۱ و ۳ ماده ۶ اساسنامه مسئولیت کیفری تمامی آنها را با وجود داشتن مصونیت در زمان ارتکاب جرم، هم به‌عنوان مباشر، طراح و صادرکننده دستورات متعدد به ارتکاب جنایات و هم به‌عنوان آمر محرز دانست.^{۷۸}

۷۵. امیری، پیشین، ۲۷۶.

76. Decision on Defence Preliminary Motions on the Form of Indictment, Kvočka (IT - 98 - 30/1 - T), ScSL Trial Chamber, 12 Apr 1999, para17.

77. Brima, Kamara and Kanu.

78. See: *Prosecutor v. Alex TambaBrima, Ibrahim Bazzy Kamara and Santigie Borbor Kanu*, Trial Chamber Summary of Judgment, (Case No. SCSL-2004-16) 20 June 2007, 5-6, Paras 21-29, <http://www.sc-sl.org/documents/AFRC/SCSL-04-16-T-628-A.pdf>.

این شعبه در رأی خود اعلام کرد که متهمان مزبور و نیروهای زیردست آنان مرتکب حملات گسترده و نظام‌مند علیه غیرنظامیان شده‌اند و در نتیجه با استناد ماده ۲ اساسنامه و موارد اتهامی در کیفرخواست مجرم شناخته شده‌اند.^{۷۹}

در خصوص جنایت ازدواج اجباری متهمان انتساب این اتهام را ناقض اصول قانونی بودن جرم و مجازات خوانده، اظهار داشته‌اند که پذیرش این جنایت جدید از سوی دادگاه مستلزم آن است که دادستان بار دیگر تحقیقات خود را از سر گیرد که خود موجب اطاله دادرسی خواهد شد. شعبه دوم بدوی نیز اعلام کرد که: «دادستان قبلاً برای رسیدگی به جنایات جنسی تحقیقات لازم را در خصوص این جنایات انجام داده و دیگر نیازی به بررسی مجدد ادله نیست؛ مضافاً اینکه، وی پیش از شروع محاکمات به استناد مدارک قانونی به دست آمده در تحقیقات و بازپرسی‌ها، خواهان ضمیمه شدن این جنایت در کیفرخواست و محاکمه متهمان به ارتکاب این جنایت شده است. در نتیجه استدلال متهمان در مورد اطاله دادرسی و نقض حقوق آنها به موجب شق «الف» بند ۴ ماده ۱۷ مردود است. وانگهی رسیدگی به این اتهام یک اقدام جدید در دادرسی بین‌المللی به شمار خواهد آمد. از این رو شعبه اول بدوی با تأیید کیفرخواست اصلاحی جنایت مزبور را به عنوان بخشی از جنایت علیه بشریت مورد پذیرش قرار داده است.»^{۸۰} بالاین حال، شعبه دوم بدوی رسیدگی کننده به اتهامات برخلاف نظر دادستانی و شعبه اول بدوی مبنی بر جرم تلقی کردن این جنایت ذیل «اعمال غیرانسانی دیگر» در رأی خود ضمن مجرم شناختن متهمان به ارتکاب سایر جنایات جنسی، این جنایت را ذیل بردگی جنسی قرار داد و سرانجام شعبه مزبور پس از بررسی ادله، بریما و کامارا را به تحمل ۵۰ سال حبس و کانو را به ۴۵ سال حبس محکوم کرد.^{۸۱}

۶- دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)

تشکیل محاکم نظامی نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی، رواندا و سیرالئون برای محاکمه جنایتکاران جنگی اقدام جامعه بین‌المللی در راستای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی بود اما ناکافی؛ لذا مهم‌ترین گام جامعه بین‌المللی در ایجاد نهادهای کیفری جهانی تأسیس دیوان کیفری دائمی بین‌المللی است. به این ترتیب در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۸ در رم ایتالیا، یکصد و شصت

79. See: Ibid. P.6-7, Paras.1-29, 23-29;

80. See: para. 48 of Decision.

۸۱. امیرحسین رنجبریان، مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی، «دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی ۴۳ (۱۳۸۹)، ۱۵۱-۱۴۹.

کشور شرکت‌کننده در اجلاس تصمیم گرفتند که دیوان کیفری بین‌المللی را برای محاکمه اشخاص مرتکب جرایم شدید مربوط به جامعه جهانی ایجاد کنند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز از تاریخ تسلیم شصتمین سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیرکل ملل متحد یعنی در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد.^{۸۲} این دیوان، صلاحیت خود را بر خطیرترین جرایم مورداهتمام جامعه بین‌المللی یعنی نسل‌زدایی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز اعمال خواهد کرد^{۸۳} و هدف اساسی دیوان آن است که در راستای تحقق عدالت کیفری، جرم بین‌المللی بدون مجازات نمانده و مجرم بین‌المللی نتواند از چنگ عدالت فرار کند، بلکه به سزای اعمالش برسد. ویژگی دائمی بودن دیوان که آن را از محاکم کیفری بین‌المللی پیشین خود ممتاز می‌سازد، بزرگ‌ترین مشکل تحقق عدالت کیفری بین‌المللی مبنی بر اعمال حقوق بین‌الملل کیفری در زمان بحران بین‌المللی را که اجرای آن فقط منوط به تصادف است، نموده است. بر این اساس عدالت کیفری بین‌المللی در موقعیت کنونی جامعه بین‌المللی به واسطه تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبین جرایم نسل‌زدایی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز برطبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی محقق می‌شود. البته در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان، جنایت بر ضدبشریت را این‌گونه تعریف می‌کند: منظور از جنایت بر ضدبشریت در این اساسنامه هریک از اعمال مشروحه زیر است. هنگامی که در چهارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب گردد: الف) قتل؛ ب) ریشه کن کردن یا نابودسازی؛ ج) به بردگی گرفتن؛ د) تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت؛ ن) تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فحشای اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ ی) ناپدید کردن اجباری اشخاص؛ ک) جنایت تبعیض نژادی؛ ل) دیگر اعمال غیرانسانی مشابه که عمداً به قصد ایجاد رنج یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد

بنابراین مشاهده می‌گردد که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با دقت بیشتری نسبت به خشونت‌های جنسی جرم‌انگاری شده است همچنین در این دیوان دادستان اقدامات مناسب را به منظور اطمینان از انجام تحقیق و تعقیب مؤثر نسبت به جرایم مشمول صلاحیت

۸۲. نک: ماده ۱۲۶ اساسنامه.

۸۳. نک: ماده ۵ اساسنامه.

دیوان به عمل می‌آورد و برای انجام چنین امری، اوضاع و احوال شخصی و منافع قربانیان و شاهدان (از جمله سن، جنس و سلامت) را در نظر می‌گیرد و ماهیت جرم خصوصاً موارد مرتبط با جرایم مربوط به تجاوز و تبعیض جنسی و یا تجاوز به کودکان را ملحوظ نظر قرار می‌دهد که گاهی مثبت در جهت ایجاد عدالت است^{۸۴} و ترتیبات مخصوص در مورد بزه‌دیده جرم تجاوز جنسی و یا طفلی که قربانی جرم تجاوز یا شاهد آن بوده، انجام می‌پذیرد. همچنین بخش حمایت از بزه‌دیدگان و شهود، مستقر در دفتر دادسراست^{۸۵} و در خصوص اقدامات مناسب حفاظتی، ترتیبات تأمینی و همچنین مشاوره و مساعدت، دادستان و دیوان را راهنمایی خواهد کرد. در مواردی که منافع و مصالح بزه‌دیدگان در معرض تعرض قرار می‌گیرد، همچنین دادستان می‌تواند مشاورانی که دارای تخصص حقوقی لازم در زمینه‌های خاص، مثلاً خشونت جنسی و خشونت علیه اطفال می‌باشند و نیز کارکنان مورد نیاز دادسرا، مثلاً بازجویان را استخدام نماید.^{۸۶}

۷- بحران دارفور سودان، ۲۰۰۲

مخاصمه دارفور ادامه عظیم‌ترین جنگ آفریقایی داخل سودان بین اقوام شمال و جنوب بود.^{۸۷} جمعیتی برابر شش میلیون نفر که معادل یک‌پنجم جمعیت سودان است نیز در این منطقه سکونت دارد. منطقه دارفور دارای مرز مشترک با لیبی، چاد و جمهوری آفریقای مرکزی است. بیش از سی گروه قومی در دارفور زیست می‌کنند، ۴۰ درصد از نژاد آفریقایی سیاه ساکن جنوب و غرب دارفور و بقیه از نژاد عرب ساکن شمال دارفور هستند.^{۸۸} از نظر مذهبی همه مردم دارفور مسلمان می‌باشند؛ اما مسلمانان غیرعرب در بهره‌برداری از منابع عظیم سودان به‌ویژه از اکتشاف نفت به‌شدت بی‌بهره بوده‌اند.^{۸۹} این عدم‌برابری در بهره‌برداری از امکانات ملی سبب ایجاد نارضایتی و شورش در میان منطقه دارفور شده است. ریشه‌های درگیری‌های دارفور که در سال ۲۰۰۳ آغاز گردید دربرگیرنده خصومت‌های قومی ناشی از

۸۴. نک: بند ۱ ماده ۵۴ اساسنامه.

۸۵. نک: ماده ۶۷ اساسنامه د.ب.ک بند (ه).

۸۶. نک: بند ۹ ماده ۴۲ و ماده ۴۴ اساسنامه.

۸۷. احمد بخشی، «تحلیل پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در شکل‌گیری بحران دارفور»، فصلنامه ژئوپلیتیک

(۲)۷ (تابستان ۱۳۹۰)، ۲۱۷.

۸۸. همان، ۲۱۹-۲۱۸.

۸۹. همان، ۲۲۵.

گسترش بیابان و خشکسالی، در دسترس بودن سلاح‌های جدید، بحث کمبود منابع، بحث دسترسی به زمین، نقش گرفتن دولت در حل و فصل اختلافات، لایه‌های عمیق مربوط به هویت، حکومت و ظهور جنبش‌های جدید نظامی می‌باشد.^{۹۰} این دو جنبش که عبارت بودند از جنبش آزادی‌بخش سودان^{۹۱} و جنبش عدالت و برابری^{۹۲} در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ شروع به مخالفت با حکومت خارطوم کردند. این دو جنبش عمدتاً از گروه‌های آفریقایی ساکن روستا و قبایل مخالف دولت بودند و هویت خود را در مبارزه با حکومت مرکزی و جلوگیری از تداوم سلطه اعراب بر کشور و تخصیص منابع به نفع آنها اعلام داشتند. هدف همه آنها شورش علیه تبعیض، بی‌عدالتی و به حاشیه رانده شدن و عدم توجه به قومیت‌های غیرعرب در منطقه دارفور و تجهیز شبه‌نظامیان عرب موسوم به «جانجاوید»^{۹۳} در پاکسازی نژادی و نسل‌زدایی آفریقایی‌های سیاه‌پوست در منطقه دارفور، اعلام شده بود و خواست آنها مشارکت بیشتر در حکومت و منابع کل سودان بود. بدین ترتیب درگیری بین گروه‌های شورشی و دولت آغاز گردید و در ابتدا گروه‌های شورشی به دلیل غافلگیر شدن نیروهای دولتی به پیروزی‌هایی دست یافتند. حکومت سودان برای مقابله با شورشیان تصمیم به ایجاد نیروهای مردمی از قبایل گرفت اما به علت ترس از مسلح شدن این نیروها و قرار گرفتن آنها در برابر دولت در آینده، از همه قبیله‌ها نیرو استخدام نکرد. با اتخاذ تصمیم توسط ژنرال عمر البشیر یک نیروی نظامی بیست هزار نفری از مردم عرب به نام جانجاوید تشکیل شد و بحران دارفور از مبارزه بین این نیروی تازه‌تأسیس در سال ۲۰۰۳ و نیروهای شورشی شکل گرفت. هدف این مبارزات نابودی شورشیان و پایگاه‌های ارائه کمک به آنها معرفی شد. هرچند به صورت رسمی حکومت سودان ارتباط رسمی خود را با جانجاوید اعلام نکرده است، با این همه تحلیلگران معتقدند که گروه جانجاوید ساخته دولت است.^{۹۴} تاکتیک جانجاویدها که نقش نیروهای وکالتی را از سوی دولت برعهده دارند، حمله به روستاییان و فرار بود.^{۹۵} دولت و شبه‌نظامیان جانجاوید به شهروندان حمله کردند و در نتیجه یک بحران انسانی را

۹۰. محمدحسن دریایی، «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران دارفور»، پژوهش حقوق عمومی ۹(۲۳) (پاییز و زمستان ۱۳۸۶)، ۶۱

91. Sudan Liberation Movement (SLM).

92. Justice Equality Movement (JEM).

93. Janjaweed.

94. Human Right Watch, Darfur Destroyed, (2204).

(به نقل از محمدحسن دریایی، پیشین، ۶۳)

۹۵. بخشی، پیشین، ۲۲۴.

به وجود آوردند، به طوری که تلفات این کشتار را بین ۲۰۰ هزار تا ۴۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند^{۹۶} و از آن به عنوان اولین قتل عام در قرن بیست و یکم نام برده‌اند.^{۹۷} در جریان این اقدامات، غیرنظامیان هدف خشونت‌های متعددی شامل قتل، اعدام‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز به عنف و هتک ناموس، تخریب و غارت اموال و ... قرار گرفتند. این درگیری‌ها تا نسل‌زدایی و ایجاد یک بحران عظیم انسانی نیز پیش رفت به نحوی که کل جامعه بین‌المللی را متوجه خود ساخت. مسئولیتی که در وهله اول برعهده کشور مربوطه و در صورت ناتوانی یا عدم علاقه آن کشور در حفظ حقوق بنیادین اتباعش، در مرحله دوم به جامعه بین‌المللی واگذار می‌شود.^{۹۸} این مسئولیت در درجه دوم، طیفی از تعهدات را به دنبال خود دارد از جمله مسئولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی. برخلاف مداخله بشردوستانه که صرفاً جنبه نظامی داشت، مسئولیت به حمایت اقدامات پیشگیرانه، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، آموزشی و بازسازی را نیز به این اصطلاح افزوده و مداخله نظامی را صرفاً به عنوان آخرین ابزار در نظر گرفته است.^{۹۹}

بدین ترتیب، در بحران دارفور سودان نیز با استناد به مفهوم دکترین «مسئولیت به حمایت»، حمایت برخی کشورها و سازمان‌ها از گروه‌های شورشی در دارفور و واکنش شدید سازمان‌های حقوق بشری و غیردولتی به این رخداد موضوع دارفور را از یک مسئله داخلی به موضوعی بین‌المللی تبدیل کرد، به طوری که موضوع دارفور چندین بار در شورای امنیت مطرح گردید. شورای امنیت در راستای ایفای وظایفش در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به موجب ماده ۲۴ منشور ملل مبادرت به صدور بیانیه و قطعنامه‌های متعددی نمود که در ذیل به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. قطعنامه ۱۵۰۲ (۲۰۰۳)؛^{۱۰۰} قطعنامه ۱۵۴۷ (۲۰۰۴)؛^{۱۰۱} در این قطعنامه‌ها بر نگرانی شدید جامعه بین‌المللی از خشونت و نقض مقررات حقوق بشردوستانه و تسری جنگ به شهروندان و حمله به زنان، کودکان، پناهندگان و آوارگان تأکید گردید؛

96. Sedman Down, "Darfur Symposium: An Introduction," *Journal of Conflict and Security Law*, Oxford University Press 14(1) (2009): 35-36.

(به نقل از بخشی، پیشین، ۲۲۵).

97. Ray Carina, *Darfur and Crisis of Governance in Sudan* (Zelezapost, 2008, in: www.zeleza.com).

(به نقل از بخشی، پیشین، ۲۲۵).

۹۸. شیما عرب اسدی، «دکترین مسئولیت به حمایت و بحران لیبی»، تاریخ دسترسی ۱۶ آبان ۱۳۹۰، <http://www.fararu.com/vdcbfab0.rhb9gpiuur.html>.

۹۹. همان.

100. S/RES/1502, 26 August 2003. (<http://unscr.com/en/resolutions/1502>).

101. S/RES/1547, 11 June 2004 (<http://unscr.com/en/resolutions/1547>).

قطعنامه ۱۵۵۶ مورخ ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴^{۱۰۲} در این قطعنامه مسئله دارفور به‌عنوان «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» تلقی شده و در بند ۶ از دولت سودان خواسته شده بود که در عرض سی روز با خلع سلاح شبه‌نظامیان متناسب به جانجاوید، رهبران آن را مورد محاکمه قرار دهد؛^{۱۰۳} قطعنامه ۱۵۶۴ مورخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴^{۱۰۴} با پایان مهلت یک‌ماهه شورای امنیت، نماینده ویژه دبیرکل در گزارشی به شورای امنیت اعلام کرد: دولت سودان هنوز به بسیاری از تعهدات اصلی خود (از جمله خلع سلاح جانجاوید) بر طبق قطعنامه ۱۵۵۶ عمل ننموده است. با استناد به این گزارش، قطعنامه دیگری تصویب شد که ممکن است شورا اقداماتی را در راستای ماده ۴۱ منشور در نظر گیرد. قرار شد برای بررسی احتمال وقوع جنایت ژنوسید در دارفور «کمیسیون تحقیق بین‌المللی سازمان ملل در مورد دارفور» تشکیل گردد؛^{۱۰۵} قطعنامه ۱۵۹۱ مورخ ۲۹ مارس ۲۰۰۵^{۱۰۶} ممنوعیت پرواز هواپیماهای دولتی و نظامی بر فراز دارفور و تحریم ارسال سلاح و مهمات به این منطقه از دیگر مفاد این قطعنامه بود؛ قطعنامه ۱۵۹۳ مورخ ۱ آوریل ۲۰۰۵^{۱۰۷} ارجاع وضعیت دارفور به دیوان کیفری بین‌المللی برای محاکمه مرتکبین نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و جنایات و کشتار در دارفور بود.

به‌دنبال تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ و ارجاع بررسی وضعیت دارفور از اول جولای ۲۰۰۲ به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، دادستان موظف شد هر شش ماه یکبار، شورای امنیت را از آخرین تحولات و اقدامات مربوط به وضعیت دارفور مطلع نماید.

لوییس مورینو اکامپو، دادستان دیوان، هفت گزارش در خصوص وضعیت دارفور و اقداماتی که دیوان بین‌المللی کیفری به‌عمل آورده است به همراه پیشنهادات خود به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرد.^{۱۰۸} پس از تصویب قطعنامه ۱۵۹۳، دفتر دادستان تحقیق و رسیدگی به وضعیت دارفور را از اول ژوئن ۲۰۰۵ و پس از بررسی تمامی مدارک، گزارش‌ها،

102. UN. Doc S/RES/1564.

۱۰۳. منصور جباری، جلیل حاضر وظیفه قره‌باغ، «ارزیابی دکترین «مسئولیت حمایت» در بحران دارفور سودان»، فصلنامه راهبرد ۲۰ (۵۸) (بهار ۱۳۹۰)، ۲۲۹.

104. UN. Doc S/RES/1564.

۱۰۵. همان، همچنین حسن سواری، «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمر البشیر (سودان)»، فصلنامه راهبرد ۲۰ (۵۸) (بهار ۱۳۹۰)، ۲۵۴.

106. S/RES/1591 (2005).

107. S/RES/1593 (2005).

۱۰۸. جواد کچوئیان، «ماهیت و ابعاد حقوقی و سیاسی بحران دارفور»، مطالعات آفریقا ۲۰ (۱۳۸۸)، ۹۵.

ساختارهای قضایی به‌ویژه محاکم تازه‌تأسیس در اول ژوئن ۲۰۰۵ دریافت که قضایایی در ارتباط با وضعیت دارفور وجود دارند که در دیوان قابل طرح می‌باشند و نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه و همچنین ارتکاب جنایات بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان را محرز دانست.^{۱۰۹} متعاقب این ادعا دادستان تحقیقات خود را برای شناسایی متهمان آغاز نمود و تأکید کرد که نه تنها مقامات دولتی و سران شبه‌نظامیان بلکه اعضاء و سران گروه‌های شورشی به‌ویژه دو گروه ارتش آزادی‌بخش سودان و جنبش عدالت و برابری نیز در دیوان محاکمه خواهند شد.^{۱۱۰} اشخاص مزبور متهم به ارتکاب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت از جمله تعقیب و آزار، شکنجه، قتل و تجاوز به عنف می‌باشند.^{۱۱۱}

به‌دنبال تکمیل تحقیقات دفتر دادستانی، اکامپور در مصاحبه‌ای در ۲۷ فوریه ۲۰۰۷ نام دو تن از سران سودانی، علی کشیب و احمد هارون را پس از ۲۰ ماه تحقیقات فشرده بابت انجام حملات علیه غیرنظامیان اعلام نمود. وی اظهار داشت اگرچه به جنایات علی کشیب در محاکم ملی نیز رسیدگی شده است، لیکن اتهامات مدّ نظر دیوان متفاوت از آنها می‌باشد و بنابراین مانعی برای رسیدگی در دیوان وجود نخواهد داشت.^{۱۱۲}

شعبه مقدماتی دیوان پس از احراز وقوع جرایم مورد ادعای دادستان در دارفور سودان به مقام و موقعیت «عمر البشیر» در این زمینه پرداخت. به اعتقاد شعبه مقدماتی از آنجاکه متهم (عمر البشیر) قانوناً و عملاً^{۱۱۳} ریاست جمهوری سودان و فرماندهی کل نیروهای مسلح این کشور را در دوره زمانی مزبور (مارس ۲۰۰۳ تا ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸) برعهده داشته، بر این اساس نقشی مهم و تعیین‌کننده در هماهنگی، طراحی و وقوع جرایم ارتكابی داشته است؛ و از سوی دیگر متهم فراتر از نقش هماهنگ‌کننده در زمینه طراحی و اجرای طرح مشترک، بر تمام بخش‌های دولت و از جمله نیروهای مسلح و شبه‌نظامیان جانجاوید، نیروی پلیس، سازمان اطلاعات و امنیت ملی و کمیسیون کمک‌های بشردوستانه سودان اقتدار کامل داشته است و

۱۰۹. عطیه باباخانی، «جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور»، مجله حقوقی ۳۸ (۱۳۸۷)، ۱۷۷.

110. "First Report of the Prosecutor of the International Criminal Court to the UN Security Council Pursuant to UNSCR 1593," (2005): 4. <http://www.icc-cpi-int/library/cases/icc-darfur-unscreport-29-06-05-en-pdf>.

111. "Fourth Report of the Prosecutor of the International Criminal Court to the UN Security Council Pursuant to UNSCR 1593," 1. <http://www.icc-cpi.int/library/organs/otp-report-unscc-darfur-english.pdf>.

112. "Icc Prosecutor Presents Evidence Darfur Crimes," International Criminal Court, February 27, 2007, <http://www.icc-cpi.int/press-releases/230.html>.

113. Dejure And Defacto.

از چنان اقتدار و کنترلی برای تضمین اجرای آن طرح مشترک استفاده کرده است، بنابراین متهم طبق جزء الف بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان به لحاظ اعمال زیر دارای مسئولیت کیفری است: حملات عامدانه علیه جمعیت غیرنظامی یعنی علیه افراد غیرنظامی که در مخاصمات مسلحانه مشارکت مستقیم نداشته‌اند (جرم جنگی در مفهوم ماده ۸ (۲)(i)(e) اساسنامه)، غارت به‌عنوان یک جرم جنگی در مفهوم ماده ۸ (۲)(v)(e) اساسنامه، قتل به‌عنوان جرم علیه بشریت در مفهوم ماده ۷ (۱)(a) اساسنامه، نابودسازی به‌عنوان جرم علیه بشریت در مفهوم ماده ۷ (۱)(b) اساسنامه، انتقال اجباری به‌عنوان جرم علیه بشریت در مفهوم ماده ۷ (۱)(d) اساسنامه، شکنجه به‌عنوان جرم علیه بشریت در مفهوم ماده ۷ (۱)(f) اساسنامه، تجاوز به عنف به‌عنوان جرم علیه بشریت در مفهوم ماده ۷ (۱)(g) اساسنامه، بر این اساس شعبه اول مقدماتی طبق بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه و از آنجا که حضور متهم نزد دیوان در این مرحله را ضروری یافته و جهت جلوگیری از اختلال یا به‌مخاطره افتادن تحقیقات درمورد جرایم انتسابی و نیز ممانعت از تداوم ارتکاب جرایم فوق‌الذکر قرار جلب وی را صادر نمود. استمرار ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت و نقش انکارناپذیر «عمر البشیر» در این مورد، نشان می‌دهد که صدور قرار جلب وی توسط دیوان کاملاً موجه بوده است.^{۱۱۴}

۸- بررسی وضعیت لیبی، ۲۰۱۱

متعاقب درخواست شورای امنیت از دیوان برای تعقیب و رسیدگی به وضعیت لیبی، دفتر دادستانی دو روز پس از ارجاع وضعیت لیبی، در ۲۸ فوریه ۲۰۱۱، بررسی‌های اولیه جرایم ادعایی ارتکاب‌یافته در لیبی را از ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ شروع کرد. این دفتر اطلاعات پیرامون جرایم ادعایی از منابع مختلف را جمع کرد و یک بانک اطلاعاتی جرایم برای ذخیره، تطبیق و بررسی اطلاعات ایجاد کرد. دفتر اطلاعات منابع متعدد را فهرست و ارزیابی انتقادی نمود^{۱۱۵} و درنهایت، نتایج خود را در نخستین گزارش خود به شورای امنیت در ذیل اعلام کرد:

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که دلایل معقولی وجود دارد مبنی بر اینکه در لیبی جرایم علیه بشریت ارتکاب یافته است، شامل قتل، مطابق قسمت (الف) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه؛

۱۱۴. سید قاسم زمانی، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمر البشیر»، پژوهش‌های حقوقی ۱۴ (۱۳۸۷): ۲۳-۲۴.

115. Ibid, para 9, 10.

زندانی کردن یا محرومیت شدید از آزادی جسمانی مطابق قسمت (ه) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه؛ سایر اقدامات غیرانسانی مطابق قسمت (ک) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه؛ شکنجه برحسب قسمت (و) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه؛ آزار و اذیت برطبق قسمت (ح) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه؛ ارتکاب تجاوز جنسی به موجب قسمت (ز) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه و تبعید یا انتقال اجباری مطابق قسمت (د) بند (۱) ماده ۷ اساسنامه و هم اینکه اطلاعات مناسبی در ارتباط با جرایم جنگی آنجا که این وضعیت به سمت جنگ مسلحانه توسعه یافت، وجود دارد، شامل خشونت نسبت به جسم و جان، به موجب شق ۱ قسمت (ج) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه.^{۱۱۶} البته اولین پرونده در لیبی به جرایم علیه بشریت مربوط می‌شود که شامل قتل، شکنجه و آزار و اذیت است که ادعا می‌شود از ۱۵ فوریه در لیبی اتفاق افتاده است. دفتر دادستان بعداً پیرامون ادعاهای انبوه تجاوزهای جنسی و ازدواج‌های اجباری، جرایم جنگی که توسط طرف‌های مختلف در طول مخاصمات مسلحانه در اواخر فوریه ارتکاب یافته است و حملاتی که علیه آفریقایی‌های ساکن در صحرای لیبی^{۱۱۷} که با افراد اجیر اشتباه گرفته شده بودند، انجام شد، تحقیق خواهد کرد.^{۱۱۸}

نتیجه

پدیده ازدواج اجباری، از جمله خشونت جنسی است که در طی بسیاری از مخاصمات دیده می‌شود که در آن زنان و دختران مجبور به ازدواج با قاتلان دوستان و خانواده‌های خود شدند و در طی آن رنج‌های غیرقابل‌تصور را متحمل می‌گشتند و آن موجب نقض حقوق بنیادین زنان از طریق توسل به تجاوز، خشونت، شکنجه، حاملگی اجباری، کار اجباری و بردگی اجباری می‌شود و رنج و صدمه فیزیکی و روحی درازمدتی را بر قربانی وارد می‌سازد لذا ازدواج اجباری، جرمی منحصر و متمایز از سایر مصادیق جنایت علیه بشریت است. در عین حال باتوجه به ابعاد شگرف توسعه و تحول حقوق بین‌الملل کیفری در پنجاه سال اخیر، باز نمی‌توان گفت که خشونت‌های جنسی به اندازه کافی مورد شناسایی قرار گرفته است، چراکه مشاهده می‌گردد این مسئله هنوز به عنوان یک معضل بزرگ در وضعیت آوارگان و پناهندگانی که قربانی خشونت‌های محلی، تجاوز و حتی ازدواج اجباری می‌شوند، وجود دارند.

116. Ibid, para 11, 12.

117. Sub-Saharan.

118. "Questions and Answers on the ICC Proceedings in the Libya Situation Following the Prosecutor Request for three Arrest Warrants," International Criminal Court, Last Visited Dec 20, 2011, www.icc-cpi.int, 1.

لذا بعد از تشکیل دادگاه سیراثون می‌توان امیدوار بود زنانی که به‌طور جبری خشونت‌های مشابهی را تجربه کرده‌اند، بتوانند از طریق بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته و معتقد به این بود که جرایمی همچون ازدواج اجباری ماهیت عمل متخلفانه بین‌المللی پیدا کرده است.^{۱۱۹} کما آنکه سعی شد در این مقاله روند برخوردی دادگاه‌ها، از نورنبرگ تا دادگاه بین‌المللی کیفری، در برخورد با جرایم جنسی و رسیدگی و جرم‌انگاری مطالعه گردد و در دادگاه ویژه سیراثون که نقطه عطفی را در این زمینه بود، سعی گردید که به آن به‌عنوان یک جرم مستقل در زمره جنایت علیه بشریت نگریسته شود گرچه علی‌رغم اینکه دادستان به این مسئله اعتقاد راسخ داشت قاضی ضمن قبول آن به‌عنوان یک جرم، آن را جرم مستقل تلقی نکرده و آن را بردگی جنسی قلمداد نمود. این درحالی است که از عناصر اولیه در رسیدگی به این جرم، نقض آزادی اراده و حق تعیین سرنوشت است که ازدواج اجباری را به نقض فاحش حقوق بشر مبدل می‌سازد. لزوم صیانت از کرامت انسانی و حیثیت ذاتی انسان و به‌تبع آن، اصل آزادی اراده، حرمت زندگی شخصی، ممنوعیت بردگی و برابری کلیه انسان‌ها در بهره‌مندی از حقوق اقتضاء می‌کند که حق افراد در انتخاب آزادانه همسر به‌عنوان یک حق بنیادین بشری و جرمی بین‌المللی مورد شناسایی قرار بگیرد.^{۱۲۰} چراکه این جرم علیه زنان صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه عامل سیاسی، نژادی، مذهبی یا قومی در آن دخیل نیست؛ بنابراین می‌توان آن را به‌عنوان یک مفهوم جدید از خشونت‌های جنسی مورد توجه قرار داد. زیرا نوع اقدام و توجه دادگاه‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده عزم راسخ جامعه بین‌المللی در مقابله با بی‌کیفری، مجرای محاکمه مرتکبین این جرم و جلوگیری از تکرار آن در آینده است.

119. Wendy Brown, "Women's Studies Unbound: Revolution, Mourning and Politics," *Parallax* 9 (2003): 3, 11.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آسایش زارچی، محمدجواد، رضا آقاراضی درمنی. *مروری بر تاریخ مسلمانان در یوگسلاوی و جنگ در بوسنی و هرزگوین*. چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۸.
- امیری، فاطمه. «توسعه حقوق بین‌الملل کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت در دادگاه ویژه سیرالئون». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۴۳ (۱۳۸۹): ۲۹۱-۲۶۷.
- باباخانی، عطیه. «جامعه بین‌المللی و مقابله با نقض حقوق بشردوستانه در بحران دارفور». *مجله حقوقی* ۳۸ (۱۳۸۷): ۱۸۴-۱۴۱.
- بخشی، احمد. «تحلیل پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در شکل‌گیری بحران دارفور». *فصلنامه ژئوپلیتیک* ۷(۲) (تابستان ۱۳۹۰): ۲۵۲-۲۱۵.
- پیس، کلی - کیت اس. *سازمان‌های بین‌المللی*. ترجمه حسین شریفی طرازکوهی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- جباری، منصور، جلیل حاضر وظیفه قره‌باغ. «ارزیابی دکتترین «مسئولیت حمایت» در بحران دارفور سودان». *فصلنامه راهبرد* ۲۰(۵۸) (بهار ۱۳۹۰): ۲۴۱-۲۱۷.
- خاک، روناک. «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۲۹ (۱۳۸۷): ۱۴۶-۱۰۱.
- دانپورت، جان. *محاکمات نورنبرگ*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. چاپ اول. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۷.
- دریایی، محمدحسن. «بررسی عوامل مؤثر در ایجاد و تداوم بحران دارفور». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی* ۹(۲۳) (پاییز و زمستان ۱۳۸۶): ۸۸-۵۵.
- رستمی، سحر. «حقوق و وضعیت زنان در مخاصمات مسلحانه با نگاهی بر رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰.
- رنجبریان، امیرحسین، مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی. «دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۴۳ (۱۳۸۹): ۱۶۷-۱۲۳.
- زمانی، سید قاسم. «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمر البشیر». *پژوهش‌های حقوقی* ۱۴ (۱۳۸۷): ۴۷-۱۳.
- سواری، حسن. «ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمر البشیر (سودان)». *فصلنامه راهبرد* ۲۰(۵۸) (بهار ۱۳۹۰): ۲۶۶-۲۴۳.
- عرب اسدی، شیمیا. «دکتترین مسئولیت به حمایت و بحران لیبی». تاریخ دسترسی ۱۶ آبان ۱۳۹۰، <http://www.fararu.com/vdcbfab0.rhb9gpiuur.html>

- فیوضی، رضا. «دادگاه نظامی نورنبرگ بعد از چهل سال». *مجله حقوقی بین‌المللی* ۹ (۱۳۶۷): ۱۶۵-۱۳۳.
- فیوضی، رضا. *حقوق بین‌الملل کیفری*. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- کچوئیان، جواد. «ماهیت و ابعاد حقوقی و سیاسی بحران دارفور». *مطالعات آفریقا* ۲۰ (۱۳۸۸): ۱۲۰-۶۳.
- کیتی شیایرزی، کریانگ ساک. *حقوق بین‌الملل کیفری*. چاپ اول. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- میرمحمد صادقی، حسین. «اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا در یک نگاه». *ماهنامه دادرسی* ۲ (۱۳۷۷): ۲۱-۲۰.
- میرمحمد صادقی، حسین. *حقوق جزای بین‌الملل*. چاپ دوم. تهران: نشر میزان، بهار ۱۳۸۶.

ب) منابع انگلیسی

- Bassiouni, M Cherif. *Crimes against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application*. Cambridge University Press, 2011.
- Beth Van Shaack, "Engendering Genocide: The Akayesu Case before the International Criminal Tribunal for Rwanda." *Santa Clara Univ. Legal Studies Research Papers Series, Working Paper* 08-55 (July 2008): 1-30.
- Brown, Wendy. "Women's Studies Unbound: Revolution, Mourning and Politics." *Parallax* 9 (2003): 3, 11.
- Bunting, Annie. "Forced Marriage in Conflict Situations: Researching and Prosecuting Old Harms and New Crimes." *Canadian Journal of Human Rights* 1(1) (2012): 165-185.
- Burnet, Jennie E. "Sexual Violence and Ethnic/ Racial Identity in the 1994 Rwandan Genocide" (Paper delivered at the Sexual Violence and Conflict in Africa Workshop, Carleton University, 5-6 May 2010), [Unpublished].
- Carina, Ray. *Darfur and Crisis of Governance in Sudan*. Zelezapost, 2008, www.zeleza.com.
- Carlson, K., and D Mazurand. *Forced Marriage within the Lord's Resistance Army*. Uganda, Medford: Feinstein International Center, 2008.
- Cecily, Rose. "Troubled Indictments at the Special Court for Sierra Leon." *Journal of International Criminal Justice* 7(2) (May 2009): 353-372.
- Coulter, Chris. *Bush Wives and Girl Soldiers: Women's Lives through War and Peace in Sierra Leone*. Cornell: Cornell University Press, 2009.
- Down, Sedman. "Darfur Symposium: An Introduction." *Journal of Conflict and Security Law, Oxford University Press* 14(1) (Spring 2009): 35-36.
- "First Report of the Prosecutor of the International Criminal Court to the UN Security Council Pursuant to UNSCR 1593" (2005), 4. <http://www.icc-cpi-int/library/cases/icc-darfur-unsc-report-29-06-05-en-pdf>.
- "Fourth Report of the Prosecutor of the International Criminal Court to the UN Security Council Pursuant to UNSCR 1593." 1. <http://www.icc-cpi.int/library/organs/otp-report-unsc4-darfur-english.pdf>.
- Fourth Report of the Secretary-General on the United Nations Mission in Sierra Leone, U.N. Doc S/2000/455 (19 May 2000), Paras. 11-12.

Gohdstone, Richard J., Estelle A. Dehon. "Gender Crimes under International Criminal Law." *New England Journal of Public Policy* 46 *MCGILL LAW JOURNAL* (2000): 217-240.

Human Rights Watch. "Human Rights Watch Report 2001: Sexual Violence within the Sierra Leone Conflict." February 26, 2001. <http://www.hrw.org/backgrounder/africa/sl-bck0226.htm>.

Human Rights Watch. "We'll Kill You if You Cry: Sexual Violence in the Sierra Leone Conflict." 15 January 2003, <http://www.hrw.org/en/reports/2003/01/15/well-kill-you-if-you-cry>. Visited March 9, 2009.

International Criminal Court. "Icc Prosecutor Presents Evidence Darfur Crimes." February 27, 2007. http://www.icc-cpi.int/press_releases/230.html.

International Criminal Court. "Questions and Answers on the ICC Proceedings in the Libya Situation Following the Prosecutor Request for three Arrest Warrants." Last Visited Dec 20, 2011. www.icc-cpi.int.

International Residual Mechanism for Criminal Tribunals. "International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia." 2017/09/11. <http://www.icty.org/en/cases/judgement-list>.

Ka Hon Chu, Sandra, Anne-Marie de Brouwer, eds. *The Men Who Killed Me: Rwandan Survivors of Sexual Violence*. Vancouver: Douglas & McIntyre, 2009.

Kaldor, Mary, James Vincent. "Case Study: Sierra Leone - Evaluation of UNDP Assistance to Conflict-Affected Countries." Report, United Nations Development Programme, 2006.

Nowrojee, Binaifer. "Your Justice is too Slow: Will the ICTR Fail Rwanda's Rape Victims?." *United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD) Occasional Paper*, Geneva, November 2005.

Nowrojee, Binaifer. *Human Rights Watch, Shattered Lives: Sexual Violence during the Rwanda Genocide and its Aftermath*. New York: Human Rights Watch, 1996.

Oosterveld, Valerie. "The Gender Jurisprudence of the Special Court for Sierra Leone: Progress in the Revolutionary United Front Judgments." *Cornell University Law Journal* 44 (2011): 49, 51.

Sellers, Patricia. "Wartime Female Slavery: Enslavement?." *Cornell International Law Journal* 44(2011): 115, 125-7.

Slater, Rachel. "Gender Violence or Violence against Women the Treatment of Forced Marriage in the Special Court for Sierra Leone?." *Melbourne Journal of International Law* 13 (11 May 2012): 5-7.

Toy-Cronin, Bridgette A. "What is Forced Marriage? towards a Definition of Forced Marriage as a Crime against Humanity." *Columbia Journal* 16 (2010): 143-157.

UNICTR. <http://www.unictr.org/Cases/StatusofCases/tabid/204/Default.aspx>.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 3

2019-3

- **International Criminal Tribunal Approach to Forced Marriage as Sexual Violence**
Dr. Ahmadreza Tohidi & Azadeh Dadashi
- **Renegotiation; Reflection of the Need to Maintain the Economic and Financial Equilibrium of Upstream Petroleum Contracts**
Dr. Mohammad Namdar Zangeneh & Dr. Seyyed Hossein Tabatabaei
- **Civil Liability of Natural Persons Resulting from Transmission of Contagious Diseases with Emphasis on British Law**
Dr. Alireza Rajabzadeh & Bahareh Shafiei
- **A Comparative Study of Abandoned Ship Ownership and Its Rules in the Maritime Law System of Iran, US, UK and France**
Seyyed Abbas Motevalli & Dr. Mahmoud Qayyumzadeh & Dr. Seyyed Morteza Naeimy
- **The Causes and the Uses of Non-Criminal Responses instead of Answering Criminal (Punishment) of the Penal Code, Adopted in 1392**
Dr. Ramin Alizadeh & Dr. Mohammad Ali Jahed
- **Prevention and Compensation Methods in Violation of Intellectual Property Rights (In Iranian Law and International Documents)**
Sakineh Dehghan
- **A Comparative Study of Foreign Participation in Commercial Companies of Free Zones**
Elham Meghraziasl
- **The Nature of Impossible Offence in Iran's Law with Respect to English Law**
Dr. Abolhasan Shakeri & Dr. Mahmoud Darvish Torabi
- **ASEAN Dispute Settlement Mechanisms; A Model for the Economic Cooperation Organization (ECO)**
Mohammad Reza Narimani Zamanabadi
- **Koyban as a Prosecutor in the Zorastrinian Law**
Aziz Nokandeh
- **Prevention of Victimization of Judiciary's Staff in Iran: Case Study of Broujerd City**
Dr. Javad Riahi & Dr. Esmacil Sharifi & Azin Rouhani
- **International Commercial Words a Mistaken Equivalent Used in Farsi ITL Literature for "INCOTERMS"**
Seyyed Aziz Masoumi
- **Identifying and Preventing Opportunities for Organized Crime in the International Antiquities Market**
Author: Dr. Simon Mackenzie, Translator: Bahareh Ghanooon



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study